

بررسی فقهی کنز پول

نوروز صابری*

چکیده

کنز پول که به مفهوم جمع‌آوری و راکد گذاشتن پول است، در اسلام به شدت مورد مذمت قرار گرفته است. دسته‌ای از روایات حاکی از وجوب زکات بر نقدین است که اگر زکات آن پرداخت شود مصداق کنز حرام نیست. مفسران، فقیهان و اقتصاددانان مسلمان، در تعلق زکات بر پول‌های امروزی اختلاف نظر نموده‌اند، در زمان صدور روایات، نقدین تنها پول رایج در آن زمان بوده و این قید رایج بودن در پول‌های امروزی نیز صادق است، اطلاعات و عمومات نیز مؤید آن است. مفسرین در تشخیص معیار کنز و محدوده آن نیز دچار اختلاف نظر شده‌اند؛ و منشأ اختلاف نظر نیز روایاتی است که حد مجاز نگهداری پول را (صرفاً به اندازه هزینه زندگی، دو هزار درهم و چهار هزار درهم)، دانسته‌اند. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی فقهی ضمن بررسی دیدگاه‌های مفسرین، معیار سوم که خودداری از انفاق در راه خدا و گردآوری ثروتی بیش از حد کفاف باشد مورد تأیید قرار گرفته است و آنچه در روایات آمده عنوان چارچوب دهی و مرز گذاری دارد نه تعیین قطعی. کنز پول به انگیزه انجام معامله‌های سودآور در صورتی که مطابق با مقررات اسلامی باشد مجاز است.

کلیدواژه‌ها: کنز پول، معیار کنز، ذخیره پول، پول اعتباری، سفته‌بازی، بورس‌بازی.

* دانشجوی دکتری علوم اقتصادی جامعه المصطفی العالمیه

مقدمه

یکی از ویژگی‌های پول ذخیره‌ی ارزش است که می‌تواند ارزش اشیاء را از زمانی به زمان دیگر منتقل نماید. این ویژگی مبادله‌گران را قادر می‌سازد، وقت مناسب برای مبادله خود برگزینند. پول به سبب همین ویژگی توانسته است نقش واسطه در مبادله را بازی کند و باعث تسهیل مبادلات گشته است. این ویژگی باعث شده است که مردم در صورت لزوم ثروت خود را به شکل پول نگهداری کنند تا در زمان دیگر کالای موردنظر خود را تهیه نمایند. در این صورت است که مردم میل به کنز کردن پول پیدا می‌کنند و بخشی از پول یا قسمت اعظمی از سرمایه خود را از چرخه اقتصاد خارج نموده به شکل پول نگهداری و کنز می‌نمایند. کنز پول از انگیزه‌های منفعت طلبانه انسان نشأت می‌گیرد؛ هرچند بر اساس اصول اقتصادی، انگیزه‌ی منفعت طلبی انسان پذیرفتنی است، اما نکته‌ای وجود دارد و آن اینکه کنز به لحاظ فردی ممکن است شخص را در مقابل زیان آتی، بیمه نماید، اما اگر این انگیزه در راستای منافع اجتماعی هدایت نشود، می‌تواند باعث زیان اقتصادی در سطح کلان شود و عواقب وخیمی را به بار آورد.

به تناسب بحث فوق در اقتصاد اسلامی، چند تا پرسش مهم مطرح می‌شود:

- ۱- مفهوم کنز چیست؟
- ۲- آیا پول مالیت دارد؟
- ۳- آیا کنز کردن پول در اسلام جایز است؟
- ۴- آیا معیاری برای کنز پول وجود دارد؟
- ۵- حد مجاز ذخیره پول چه مقدار است؟
- ۶- آیا کنز پول به انگیزه سفته‌بازی و بورس‌بازی در اسلام مجاز است؟

این تحقیق درصدد پاسخ پرسش‌های فوق از نگاه فقه اسلامی و دیدگاه دانشمندان مسلمان هست. مباحث را در سه بخش پی می‌گیریم: ۱- بخش اول: مفاهیم و کلیات. ۲- بخش دوم: کنز پول از نگاه اقتصاددانان مسلمان و فقیهان. ۳- بخش سوم: کنز پول از نگاه مفسران.

بخش اول: مفاهیم و کلیات

در این بخش، کنز را از نگاه عرف و اصطلاح موردبررسی قرار داده و سپس مفهوم مال و مالیت پول را از نگاه فقه اسلامی مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

مفهوم عرفی کنز

کنز در لغت عرب به مفهوم گنج و مال اندوخته است.^۱ فیومی در مصباح المنیر کنز کردن مال را به معنای جمع کردن مال و ذخیره کردن آن دانسته است. گفته: «كَتَزْتُ: أَلْمَلْتُ كَنْزاً مِنْ بَابِ ضَرَبَ جَمَعْتُهُ وَادَّخَرْتُهُ»^۲ مال را کنز کردم از باب ضرب یعنی آن را جمع و ذخیره نمودم. «الْكَنْزُ: الْمَالُ الْمَدْفُونُ»^۳ کنز؛ مال دفن شده است. ابن منظور گوید: «الْكَنْزُ: اسْمٌ لِلْمَالِ إِذَا أُحْرِزَ فِي وَعَاءٍ»^۴ کنز اسم برای مالی است که در ظرفی نگهداری می‌شود. راغب گوید: «الْكَنْزُ: جَعَلَ الْمَالُ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ وَ حَفَظَهُ» کنز گذاشتن مال روی هم و محفوظ داشتن آن است و اصل آن از «كَتَزْتُ الثَّمَرَةَ فِي الْوَعَاءِ»^۵ است یعنی خرما را در ظرف محفوظ داشتم. مؤلف مجمع البحرین می‌گوید: «وَأَصْلُ

۱. سید علی اکبر، قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص: ۱۵۰

۲. احمد بن محمد مقرئ، فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص: ۵۴۱

۳. همان، ج ۲، ص: ۵۴۱

۴. ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص: ۴۰۱، ق

۵. حسین بن محمد راغب، اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص: ۷۲۷

الكنز: المال المدفون لعاقبة ما ثم اتسع فيه^۶ اصل كنز، مالی است كه برای مدتی دفن شده و بر آن افزوده می شود. وی می افزاید: «و كنز المال من باب ضرب: جمعه و ادخره.^۷» كنز به معنای جمع نمودن و ذخیره كردن مال است. در تاج العروس می گوید: «الْكَنْزُ: الْمَالُ الْمَدْفُونُ تحت الأرض، هذا هو الأصل، ثم تُجَوَزُ فيه^۸» در اصل كنز به مالی گفته می شود كه در زیر زمین دفن شده باشد سپس به مالی كه ذخیره شود نیز كنز گفته می شود. در التحقيق فی كلمات القرآن می گوید در ماده كنز یک اصل وجود دارد و آن این است كه: «هو جمع شيء في محلّ وحفظه و إبقاؤه^۹» كنز به معنی جمع نمودن چیزی در محلی و حفظ و ابقاء آن است.

بنابراین كنز در اصل چیزی است كه روی هم انباشته شود اعم از آنكه مدفون باشد یا محفوظ زیرا هردو در قرآن کریم آمده است مثل: «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا^{۱۰}» و اما آن دیوار متعلق به دو نوجوان یتیم در آن شهر بود و زیر آن گنجی متعلق به آن ها وجود داشت كه مراد كنز مدفون است. گروهی از كفار مكه به خاطر لجاجت و از روی عناد به پیامبر (ص) می گفتند اگر راست می گویی چرا گنجی برات نازل نشده؟ «أَنْ يَقُولُوا لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ^{۱۱}» می گویند چرا گنجی بر او نازل نشده؟ كه مراد از كنز در این آیه پول اندوخته است یعنی چرا پول انباشته و بسیاری بر او نازل نشده و خداوند متعال در بیرون راندن

۶. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص: ۳۲،

۷. همان.

۸. محب الدین واسطی، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸، ص: ۱۳۷.

۹. حسن مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱۰، ص: ۱۱۸،

۱۰. كهف/ ۸۲

۱۱. هود/ ۱۲

فرعونیان از باغ‌ها و چشمه‌ها می‌فرماید: «وَكُنُوزٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ»^{۱۲} و مال‌های اندوخته و مکان خوشایند.

به‌طور کلی از تتبع در کتب لغت چنین استفاده می‌شود که در مفهوم کنز دو ویژگی معتبر است؛ یکی جمع‌آوری کردن و افزودن بر مال و دیگری ذخیره کردن و نگه‌داشتن آن.

مفهوم اصطلاحی کنز

در فرهنگ‌های اصطلاحی علوم اقتصادی، واژه «کنز» در مفاهیمی چون ذخیره کردن وجه نقد و عدم سرمایه‌گذاری آن در امور تولیدی و تجاری، جمع کردن بیش از اندازه مورد احتیاج اموال یا پول و حفظ آن در حالت رکود و پس‌اندازی که به سرمایه‌گذاری تبدیل نگردد، استفاده شده است. بر این اساس، طبق نظریه پولی مطرح شده، کنز کردن به‌مثابه نشت درآمد ملی محسوب می‌شود؛ زیرا پول را از گردش خارج می‌کند و از میزان درآمد می‌کاهد. هراندازه که سهم بیشتری از درآمد به شکل پول، کنز شود، به همان میزان نیز از گردش پول کاسته می‌شود. باید توجه داشت این تعاریف بیانگر برداشت‌های سنتی از مفهوم کنز است. در برداشت‌های جدید، پدیده کنز معنای محدودتری دارد که صرفاً به کنار گذاشته شدن پول از بخش واقعی اقتصاد مربوط می‌شود؛ نه کل جریان اقتصاد.^{۱۳}

حال باید دید که مفهوم مال در کتب لغت و از دیدگاه اقتصاددانان به چه چیزی اطلاق می‌گردد؟

۱۲. شعراء/ ۵۸

۱۳. سیدرضا حسینی، تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد، ناشر: مجله معرفت اقتصادی، ص ۸۵، سال اول شمال اول، بهار ۱۳۸۹.

مفهوم مال در لغت

مال یعنی آنچه انسان مالک شود^{۱۴} و دارایی، آنچه در ملک شخص باشد، جمع آن اموال است^{۱۵}. ابن منظور می‌نویسد: «المالُ: معروف ما مَلَکْتَهُ من جمیع الأشياء»^{۱۶} مال چیزی معلوم است و به تعریف نیاز ندارد و آن عبارت از کلیه چیزهایی است که مالک آن باشی. فخرالدین طریحی و ابن اثیر جزری می‌نویسند: «مال در اصل ملکیتی از طلا و نقره است، سپس بر اعیان خارجی که به دست می‌آید و ملک افراد می‌شود، مال گفته شده و عرب‌ها بیشتر به شتر مال اطلاق می‌کنند زیرا شتر بیشترین اموال آنان را تشکیل می‌دهد»^{۱۷}. قرآن کریم مال و ثروت و نیروی انسانی را که دورکن اصلی حیات دنیاست، می‌فرماید: «الْمَالُ وَ النَّبُوءَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^{۱۸} مال و فرزندان، زینت حیات دنیا هستند. مقابله مال با بنون در قرآن نشان می‌دهد که مراد از مال متاع دنیا است. «وَأَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ»^{۱۹} و اموال و فرزندان را افزون خواهیم کرد که مراد از اموال در اینجا نیز ثروت و متاع دنیاست. در اینکه چرا مال را مال و عرض نامیده‌اند؟ راغب گوید: «مال را از آن حیث مال گویند که پیوسته مایل و زایل است (ازاین دست به آن دست میل می‌کند) و ازاین جهت عرض خوانده شده که عارضی است و دوام ندارد»^{۲۰}.

۱۴. سید علی اکبر قرشی، پیشین، ج ۶، ص: ۳۲۱.

۱۵. حسن عمید، فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۷۳۸،

۱۶. ابن منظور، پیشین، ج ۱۱، ص: ۶۳۵.

۱۷. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص: ۴۷۵،

و ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۴، ص: ۳۷۳،

۱۸. کهف/۴۶

۱۹. اسراء/۶

۲۰. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص: ۷۸۴، ق

به اعتراف اهل لغت مال چیزی معلوم و معروف است به تعریف نیاز ندارد و از تتبع در کتب لغت و آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که مال به کلیه چیزها از متاع دنیا اطلاق می‌گردد که به دست آمده و به ملکیت افراد درمی‌آید و دادوستد می‌شود که ملکیت طلا، نقره و پول از این قبیل است.

مفهوم مال از نگاه فقیهان

دیدگاه فقیهان درباره مال را از مباحث پیرامون بیع و معامله، می‌توان دریافت. آنان در تعریف بیع می‌گویند بیع «مبادله مال به مال»^{۲۱} است و هر آنچه مورد معامله قرار می‌گیرد باید ارزش و مالیت داشته باشد. گروهی از آنان وجود منفعت را برای «مال» ملاک قرار داده‌اند می‌گویند خرید و فروش آنچه منفعت ندارد یا منفعتش خیلی کم است (که کسی به آن اعتنایی ندارد و از آن نگهداری و بر آن سرمایه‌گذاری نمی‌نماید، مانند یک حبه گندم هرچند ملک به حساب می‌آید که بدون اذن صاحبش نمی‌توان گرفت) جایز نیست چون مال نیست تا در برابرش مال پرداخت گردد.^{۲۲} علامه حلی (ره) می‌گوید: «معامله چیزی که هیچ سودی ندارد، مانند یک یا دو دانه گندم، درست نیست، زیرا چنین چیزی، مال شمرده نمی‌شود تا در برابرش، مال پرداخت»^{۲۳}.

شمار دیگری از فقها، مال را چیزی می‌دانند که منفعت عقلایی دارد؛ مقدس اردبیلی می‌نویسد: «هر چیزی که دارای منفعت عقلایی باشد که شرع آن را حلال شمرد، اگرچه خیلی کم و نادر باشد، دادوستدش درست است و مال شمرده می‌شود»^{۲۴}. امام خمینی (ره) منفعتی را که غرض عقلانی

۲۱. سید محمد بن حسن موسوی بجنوردی، قواعد فقهیه، ج ۱، ص: ۲۹۶.

۲۲. یوسف بن احمد بن ابراهیم بحرانی، الحقائق الناضرة، ج ۱۸، ص: ۴۳۱.

۲۳. حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۱۰، ص: ۳۵.

۲۴. احمد بن محمد اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۸، ص: ۵۳.

در آن تعلق گرفته باشد موجب صحت معامله می‌داند و می‌گوید: زیرا اغراض عقلانی منشأ رغبت به خرید و فروش و حدوث مالیت و ارزش اقتصادی در آن شیء می‌شود و مالیت شیء از حیث وجود و مرتبه تابع عرضه و تقاضا است. از آنجاکه مالیت یک امر اعتباری است پس از تعلق گرفتن غرض عقلانی و تقاضا در نزد عقلاء دارای ارزش اقتصادی و مالیت می‌شود و مبادله مال به مال هم صدق می‌کند؛ لذا هرگونه قراردادی بر آن صحیح است.^{۲۵} شهید مطهری می‌گوید: ثروت یا مال عبارت است از هر چیزی که یکی از حوائج طبیعی یا اعتباری، ضروری یا تجملی بشر را برآورد.^{۲۶} بنابراین عده‌ای از فقیهان امامیه در تعریف از «مال» وجود منفعت شرعی و مورد اعتنای عقلاء را شرط می‌دانند؛ اما فقیهان معاصر امامیه کالاهای را که در دادوستد آن غرض عقلانی تعلق گرفته باشد نیز جایز دانسته و قائل به مالیت آن هستند.

فقیهان اهل سنت کالاهای که منع شرعی داشته باشند مانند میت و خون، مال ندانسته و دادوستد آن را جایز نمی‌دانند.^{۲۷} ابن همان در شرح احکام بیع فاسد، دادوستد با اعیان نجسه را به خاطر اینکه مال نیستند باطل می‌دانند.^{۲۸} وهبه زحیلی از فقیهان معاصر اهل سنت در مقام تبیین دیدگاه مکتب فقهی حنفی مال بودن مبیع را پذیرفته می‌گوید از دیدگاه حنفیه بیع خمر، خوک، مردار و خون صحیح نیست زیرا این‌ها مال نیستند.^{۲۹} وهبه زحیلی می‌گوید حنفیه دادوستد نجاسات مانند موی خوک و پوست میت را به خاطر نفع بردن به سبب آن‌ها مجاز دانسته‌اند مگر آن‌ها که در شریعت

۲۵. سید روح‌الله موسوی خمینی، المکاسب المحرمه، ج ۱، ص: ۲۴۶،

۲۶. مرتضی مطهری، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۲۰، ص: ۴۲۴،

۲۷. علاء‌الدین بن مسعود کاشانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۱۱، ص ۸۸،

۲۸. کمال‌الدین محمد بن عبدالواحد السیواسی المعروف بابن الهمام، شرح فتح القدیر، ج ۱۵، ص ۱۴۷-۱۵۶،

۲۹. وَهْبَةُ الزَّحِيلِيِّ، الْفِقْهُ الْإِسْلَامِيُّ وَأَدْلَتُهُ، ج ۵ ص ۱۱۶، الفقه الاسلامی و ادلته،

از آن نهی شده باشد^{۳۰}. همو در تعریف مال می‌گوید: مال چیزی است که دارای ارزش مادی باشد و اتلاف کننده آن ضامن است و چیزی است که شرعاً انتفاع از آن مجاز باشد، پس دادوستد چیزی که مال نیست صحیح نیست مانند میته و خون^{۳۱}. به‌طور کلی فقیهان اهل سنت در تعریف «مال» منع و عدم منع شرعی را ملاک دانسته‌اند، آنچه منع شرعی داشته باشند را مال نمی‌دانند. پس از روشن شدن مفهوم «مال» باید بررسی شود که آیا تعریف مال، بر پول‌های اعتباری کنونی، درست است، یا خیر؟

مالیت پول از نگاه فقیهان

مسئله مالیت پول، یکی از جهات مهمی است که در شناخت پول و احکام مترتب بر آن نقش دارد. از آنجاکه بررسی نظرات فقها، حقوق‌دانان و علمای اقتصاد مستلزم رساله‌ای مستقل است، در اینجا به‌طور گذرا به بررسی مالیت پول‌های اعتباری کنونی می‌پردازیم تا اینکه کنز و احکام آن را پیرامون پول مورد مطالعه قرار دهیم.

پول، به قطعه فلز از طلا یا نقره یا مس یا فلزات دیگر که از طرف دولت سکه زده شود، اسکناس که توسط دولت یا بانک ناشر اسکناس چاپ و منتشر شود، گویند^{۳۲}. اقتصاددانان پول را بدین گونه تعریف می‌کنند: هر چیزی که درازای کالاها یا خدمات یا برای بازپرداخت بدهی‌ها مورد قبول واقع شود. پول رایج کشور که به‌صورت سکه و اسکناس است در چارچوب این تعریف می‌گنجد و

^{۳۰}. همان، ج ۴، ص ۵۳۷.

^{۳۱}. همان، المعاملات المالية المعاصرة، ص ۲۱،

^{۳۲}. حسن عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۴۹۳.

نوعی پول به حساب می‌آید.^{۳۳} پول یک پدیده اجتماعی است که به منظور آسان کردن روابط اقتصادی بین مردم، به وجود آمد.

پول در زمان نزول شریعت و تا قرن‌ها پس از آن نیز، آنچه به عنوان پول در روابط اقتصادی مردم اعتبار داشت، عبارت بود از قطعه سکه از فلزهای قیمتی که هم ارزش ذاتی داشت و هم به عنوان کالای واسطه در دادوستدها مورد استفاده واقع می‌شد. در مراحل بعدی از تحول و تکامل در روابط اجتماعی انسان، پول نیز حالات گوناگونی را پشت سر گذاشت تا سرانجام در اقتصاد امروز هم ماهیت و هم کارکرد جدیدی را به دست آورد.^{۳۴}

پول امروز، برگه‌هایی است که ارزش ذاتی ندارند، ولی هم به عنوان وسیله مبادله در بازار و هم به عنوان قدرت خرید برای افراد و هم به عنوان ابزار کنترل‌کننده سیاست اقتصادی در دست دولت‌ها، مورد استفاده قرار می‌گیرند.^{۳۵} این پول نوعی دارایی یا پول اعتباری است در مقابل دارایی و پول حقیقی به کار می‌رود. دارایی حقیقی نوعی دارایی است که ذاتاً ارزش داشته باشد، علی‌رغم دخالت یا عدم دخالت دولت در میان مردم مورد معامله قرار می‌گیرد و مقررات در اصل ارزش آن نقشی ندارند؛ مثلاً سکه طلا و یا سکه نقره مستقلاً دارای ارزش خاصی است و تغییر دولت‌ها و حتی سقوط برخی دولت‌ها نقشی در اصل ارزش آن ندارد؛ اما ارزش داشتن دارایی‌ها و پول‌های اعتباری مربوط به مقررات دولتی است و خود دارایی مورد نظر ارزش ذاتی ندارد؛ مثلاً اسکناس تا زمانی به عنوان ابزار مبادله و پول مورد قبول است که دولت منتشرکننده آن را تأیید نماید، زمانی که دولت آن را باطل اعلام کند، دیگر مورد استفاده مردم نیز نخواهد بود.^{۳۶}

^{۳۳}. فرید ریک مشکین، ترجمه: دکتر علی جهانخانی و دکتر علی پارسائیان، پول، ارز و بانکداری، ص ۶۲.

^{۳۴}. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ۵۶ جلد، ج ۳، ص: ۲۱۷، ق

^{۳۵}. همان.

^{۳۶}. دکتریدالله دادگر و دکتر تیمور رحمانی، مبانی و اصول علم اقتصاد، ص ۳۰۴ و ۳۰۵.

چنانکه گفته شد، مال از مفاهیم عرفی است و عرف عام و عقلا پول را مال می‌دانند، از آنجا که فقیهان خود بخشی از عرف عام هستند، پول را مال می‌دانند و احکام اموال را بر آن بار کرده‌اند، هرچند در بیان خاستگاه مالیت آن یگانه نبوده‌اند. گروهی از فقیهان که پول‌های کنونی را دارای مالیت اعتباری می‌دانند، معتقدند حکومت به آن‌ها اعتبار داده است. امام خمینی (ره) می‌نویسد: «پول‌های نقد، مانند اسکناس و دینار و دلار و غیر آن‌ها دارای مالیت اعتباری هستند و مثل دینار و درهم مسکوک از طلا و نقره نقدند، پرداخت آن به طلبکار مسقط ذمه است و در تلف و اتلاف آن ضمانت است مثل سایر اموال^{۳۷}».

آیت‌الله خویی (ره) گفته‌اند: «مالیت یک شیء به دو نحو تحقق پیدا می‌کند: اول؛ این است که برای شیئی منافع و خواصی است که موجب رغبت عقلا است مثل خوردنی، پوشیدنی، پوشیدنی و امثال آن. دوم؛ اعتبار مالیت از جانب کسی که اعتبار دهی در دست اوست مثل حکومت‌ها که مالیت را اعتبار می‌کنند برای آنچه صادر می‌کنند از اوراق نقدیه و طوابع و امثال آن^{۳۸}».

آیت‌الله خویی (ره) پیرامون شرایط زکات نقدین می‌گوید: عقلاء برای دادوستد بین خودشان به خاطر سهولت در معاملات چیزی را صرفاً برای ثمن در نظر گرفته‌اند تا اینکه در همه دادوستدها از آن استفاده کنند تا در نظام زندگی‌شان دچار اختلال نگردند، در معاملات پایاپای که کالابه کالا داد ستد می‌شود در بسیاری از مواقع کالای موردنظر را طرف مقابل ندارد به همین خاطر ضرورت اجتماعی اقتضاء کرد چیزی را که صرفاً در ثمنیت باشد وضع کنند، بنابراین پول نقد را اختراع کردند و آن را در معاملاتشان ثمن قراردادند اعم از طلا، نقره مثل درهم‌ها و دینارها یا غیر از آن دو مثل مس

۳۷. خمینی، سید روح‌الله موسوی، تحریر الوسیله، ۲ جلد، ج ۲، ص: ۶۱۳، ق

۳۸. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، منهاج الصالحین (للخوئی)، ج ۱، ص: ۴۱۶،

و امثال آن و اعم از اینکه ماده آن شیء دارای مالیت باشد مثل درهم و دینار یا نه مثل اوراق نقدیه از دینار، تومان و امثال آن و عقلاً این ثمن‌ها را برای اندازه‌گیری مالیت سایر اموال قرار داده‌اند.^{۳۹}

آیت‌الله مکارم، در چگونگی به وجود آمدن پول، دادوستدهای که بین بشر از زمان‌های دور تا به امروز بوده را موردبررسی قرار داده می‌گوید؛ انسان به خاطر سهولت در امر معاملات دریافتند که باید شیئی را که قابل تبدیل به همه اجناس را داشته و مشکلات تبادل کالا به کالا را نداشته باشد را انتخاب نمایند که به این جهت طلا و نقره را برگزیدند زیرا آن دو در نزد همه دارای مقبولیت‌اند، بعد از آن سکه‌های طلا و نقره اختراع شد و حلقه وصل بین تمام کالاها و اجناس مبادلی بین مردم گردید، اموال نامیده شد و از آنجاکه در مرور زمان فهمیده شد که خود طلا و نقره نیز دارای مشکلاتی است از قبیل حمل و نقل و انتقال آن در معاملات تجاری بزرگ و سنگین و مواجه‌شدن با سرقت، این مشکلات منجر شد به اینکه جامعه انسانیت طلا و نقره را به اموال ورقی کاغذی از همین قبیل تبدیل کنند، علی‌رغم اینکه پول‌های کاغذی نیز خالی از مشکلات نبود ولی مشکلات طلا و نقره را نداشت، در نتیجه پول‌های کاغذی به جای طلا و نقره در معاملات اقتصادی نشست؛ و در مقام نتیجه‌گیری از این بحث و در تعریف اموال و پول‌های کاغذی می‌گوید: «آن‌ها امر اعتباری تستمد قدرتها و اعتبارها من قدرة الدولة التي تدعمها»^{۴۰} اموال و پول‌های کاغذی امر اعتباری است که قدرت و اعتبار آن از ناحیه قدرت دولتی است که به آن اعتبار داده است.

از برخی نوشته‌ها برمی‌آید که هم دولت و حکومت و هم جامعه، هردو در مالیت اسکناس دخیل‌اند. محمود عبداللهی می‌نویسد: ارزش و مالیت اسکناس از وجود فیزیکی و عینی آن سرچشمه نمی‌گیرد، زیرا به عنوان مثال: اسکناس هزار تومانی يك قطعه کاغذی است که فقط حاوی

۳۹. همان، موسوعة الإمام الخوئي، ج ۲۳، ص: ۲۶۹،

۴۰. ناصر مکارم شیرازی، الربا و البنك الإسلامی، ص: ۵۴،

چند تصویر است و اهمیتی ندارد. بلکه ارزش آن از اینجا سرچشمه می‌گیرد که تشکیلات پولی و حکومت و جامعه پذیرفته‌اند که اسکناس در مبادلات، واسطه و معیار ارزش باشد.^{۴۱}

احمدعلی یوسفی می‌نویسد: در خصوص پول باید دانست که تنها اعتبار مالیت آن از طرف دولت، بدون اینکه خواست عرف عام با اعتبار دولت هماهنگ گردد، راه به جایی نخواهد برد و تحقق مالیت در پول کاغذی يك امر عرفی و عقلایی است.^{۴۲}

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت، پول مالی است اعتباری که قانون و عرف عام عقلاء به آن اعتبار داده است تا علامت و نشانه‌ای باشد بر ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید خاص و معین، اعم از اینکه ماده پول نیز دارای مالیت باشد مثل درهم و دینار یا نه مثل پول‌های کاغذی و تحریری که مخلوق قانون است و پشتوانه آن تولید ملی و اعتماد مردم، پایداری قدرت و حاکمیت سیاسی و دولت است. پس از روشن شدن «مال و مالیت» پول‌های اعتباری، باید بررسی شود که کنز پول چگونه است؟ در اینجا دیدگاه اقتصاددانان مسلمان و فقیهان را پیرامون کنز مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بخش دوم: کنز پول از نگاه اقتصاددانان مسلمان و فقیهان

در مفهوم کنز که جمع‌آوری کردن وجه نقد و افزودن مال و ذخیره کردن و نگهداشتن و عدم سرمایه‌گذاری آن در امور تولیدی و تجاری استفاده شده است. در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره‌ی توبه کنز طلا و نقره و خودداری از انفاق آن‌ها در راه خدا به شدت مورد مذمت قرار گرفته است و در روایات اسلامی پرداخت زکات پول به عنوان یک واجب مالی و از ضروریات دین شمرده شده. اقتصاددانان مسلمان و فقیهان دیدگاه‌های مختلفی درباره پدیده کنز مطرح کرده‌اند. برخی از آنان اصل تعلق

۴۱. محمود عبداللہی، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۲۹۱.

۴۲. احمدعلی یوسفی، پول جدید از نگاه اندیشمندان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۱۶، ص:

زکات بر پول‌های امروزی را محل بحث می‌دانند، در مقابل، برخی دیگر تعلق زکات را بر پول‌های امروزی پذیرفته و معتقدند که اسلام با تشریع زکات بر پول، کنز پول را منع کرده است. برخی دیگر کنز بودن پولی را که برای سفته‌بازی و سودجویی نگهداری می‌شود، مورد تردید قرار داده که به آن نمی‌توان کنز گفت. عده‌ای دیگر معتقدند تشریع زکات بر پول نمی‌تواند در وضعیت امروزی از آنچه در اقتصاد به آن کنز گفته می‌شود جلوگیری کند.

تعلق زکات به پول اعتباری

اندیشمندان مسلمان دو دیدگاه پیرامون زکات پول اعتباری دارند؛ نظر مشهور فقهی شیعه و برخی از اندیشمندان اهل سنت بر این است که زکات بر پول‌های اعتباری تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا بر اساس روایات، پول طلا و نقره مشمول زکات است؛ نه طلا و نقره‌های که پول نیست و نه پولی که طلا و نقره نیست؛ اما عده‌ای دیگر از اندیشمندان مسلمان بر این عقیده‌اند که پول‌های اعتباری امروزی نیز مورد تعلق زکات است.

دیدگاه اول: عدم تعلق زکات بر پول‌های اعتباری امروزی

امام خمینی (ره) می‌گوید: «الأوراق النقدية لا تتعلق بها الزكاة»^{۴۳} به اوراق پولی زکات تعلق نمی‌گیرد. خویی (ره) حکم بیع صرف بر اوراق نقدیه مثل دینار عراقی، نوط هندی، تومان ایرانی، دلار، با ون و امثال آن از اوراق مستعمله در این زمان را جاری نمی‌داند و در مورد تعلق زکات بر این اوراق می‌گوید: «كما أنه لا زكاة فيها»^{۴۴} این پول‌ها زکات نیز ندارد. بعضی از فقهای شافعیه فتوا داده‌اند که: «بأن لا زكاة فيها، حتى تقبض قيمتها ذهباً أو فضة، ويمضي

۴۳. خمینی، سید روح‌الله موسوی، تحریر الوسیلة، ۲ جلد، ج ۲، ص: ۶۱۴.

۴۴. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص: ۵۶.

«على ذلك حول^{۴۵}» این پول‌ها زکات ندارد تا آنکه برابر ارزش آن‌ها طلا یا نقره دریافت شود و بر آن یک سال بگذرد. شیخ علیش - مفتی مالکیه در مصر - درباره حکم کاغذ (ورقی) که مهر سلطان بر روی آن است و مانند درهم و دینار با آن معامله می‌شود، فتوا داد که در آن زکات نیست. «فأفتی: أن لا زكاة فيه^{۴۶}»

برخی از طرفداران این دیدگاه چنین گفته‌اند: «زکات نقدین شامل اوراق نقدیه (پول) نمی‌شود، زیرا نصوص صریح در انحصار وجوب زکات در اشیاء نه‌گانه است که یکی از آن‌ها خصوص نقدین (طلا و نقره مسکوک) است؛ زیرا در زکات درهم و دینار، ... طلا و نقره بودن مسکوک جزء موضوع نیست بلکه تمام موضوع است به این معنی که تنها آن طلا و نقره‌ای که سکه رایج دارد و در معاملات به‌عنوان «ثمن»، مبادله می‌گردد موضوع وجوب زکات است. اما طلا و نقره غیر مسکوک مثل سکه بهار آزادی، زکات ندارد چون «ثمن» واقع نمی‌شود و صرفاً به‌عنوان ثمن در معاملات مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۴۷}»

یکی دیگر از صاحب‌نظران می‌گوید: «زکات منحصر به موارد نه‌گانه است، ولی حاکم اسلامی و اولیاء امور مسلمین بنا بر نیاز نظام می‌توانند به مقداری که نیاز نظام و فقر مسلمین را برطرف کند بر ثروت‌های اساسی زکات اضافه کنند.^{۴۸}»

با توجه به دیدگاه مشهور فقها و روایات که وجوب زکات در نه چیز، از جمله وجوب زکات در طلا و نقره است. اگر علت وجوب زکات در طلا و نقره را مورد بررسی قرار دهیم به دست می‌آید که قیدی سکه‌ای بودن که همان پول رایج است در وجوب زکات مداخله دارد. برای همین در غیراز آن

۴۵. یوسف عبدالله القرصاوی، فقه الزکاة، ج ۱، ص ۲۳۱

۴۶. همان، ج ۱، ص ۲۳۱.

۴۷. سید محمدحسن مرتضوی لنگرودی، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۱۰، ص: ۶.

۴۸. محمد مهدی آصفی، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۱۰، ص: ۱۶-۱۳.

زکات واجب نیست، پس آنچه در وجوب زکات تأثیر می‌گذارد، رایج و میانجی بودن در دادوستد است؛ بنابراین، جنس طلا و نقره خصوصیتی ندارد زیرا در زمان پیامبر (ص) و ائمه معصومان (ع) پول رایج سکه‌ی طلا و نقره بوده است که زکات را بر آن وضع و واجب کرده‌اند و هرگز جنس آن‌ها ویژگی نداشته است. اگر پول رایج در تعلق زکات ملاک باشد وجوب زکات بر پول‌های اعتباری امروزی نیز بار می‌شود، چنانکه برخی از اندیشمندان معاصر، به وجوب زکات بر پول‌های اعتباری حکم کرده‌اند.

دیدگاه دوم: تعلق زکات بر پول‌های اعتباری امروزی

فقیهان معاصری که معتقد بر وجوب زکات پول‌های اعتباری امروزی هستند. شهید صدر (ره) در حاشیه زکات نقدین منهاج الصالحین می‌گوید: «اینجا کلامی است در اینکه زکات نقدین (درهم و دینار) آیا به چیزی که پول نامیده می‌شود اختصاص دارد یا اینکه مقصود از آن‌ها هر چیزی است که دارای مالیت و ارزش مالی باشد چه مانند پول ذاتاً و در اصل خود دارای ارزش باشد و چه علت این که در تجارت به کار گرفته شده ارزش داشته باشد، مانند کالاهای تجار، نیاز به بحث دارد ولی بنا بر قول به وجوب زکات در آن شرط می‌شود که یک سال بر عین آن کالا بگذرد»^{۴۹}. شهید صدر هر چند صریحاً نظرش را بیان نکرده اما از ظاهر عبارت شهید صدر استفاده می‌شود که زکات مال التجاره و کالاهای تجاری را بنا بر احتمال لازم می‌داند.

آیت‌الله محمدجواد مغنیه در کتاب فقه امام صادق (ع) در ذیل شروط نقدین برای تعلق زکات مسئله‌ای در باب زکات پول آورده: «همه‌ی اکثر فقهای معاصر معتقدند که اموال اگر از نوع کاغذ باشند همان‌طور که امروز چنین است زکات ندارند، به دلیل ظاهر نصوص که زکات پول‌های طلا و نقره را گویا بوده‌اند، در حالی که ما برخلاف آن‌ها معتقدیم که زکات شامل هر مال و پولی می‌شود

۴۹. سید محسن طباطبایی حکیم، منهاج الصالحین، ص: ۴۲۰.

و نقدین در روایات اهل بیت (ع) به عنوان وسیله اخذ می شود نه هدف، زیرا نقدین تنها پول رایج در آن زمان بوده است و این (حکم) از باب قیاس باطل نیست، برای اینکه قیاس در جای باطل است که علتی که در آن اخذ شده ظنی باشد نه علت معلوم و یقینی و ما به علم یقین می دانیم که علت زکات درهم و دینار در پول های کاغذی هم وجود دارد نه اینکه گمان کنیم. پس این علت مانند علت منصوبه یا حتی قوی تر از آن است و بنابراین حکم مسئله از باب تنقیح مناط معلوم است، نه از باب قیاس ظنی که اجماع بر تحریم آن (نزد فقیه شیعه) هست^{۵۰}.

آیت الله منتظری (ره)،^{۵۱} با طرح این سؤال که آیا زکات واجب است در اوراق مالیه ای امروزی که بجای طلا و نقره نشسته اند مثل مثل نوت، دلار و امثال آن؟ بیان می کند که این بحث بر دو وجه است: عده ای زکات را با توجه به اخبار مستفیضه بلکه متواتره منحصر در نه چیز می دانند لا غیر و این اوراق را حواله بر طلا و نقره می دانند؛ اما عده ای دیگر از آن موارد نه گانه الغاء خصوصیت نموده استنباط می کنند که موضوع زکات در حقیقت نقد رایج است. ایشان در مقام استدلال اموری را مطرح می کند:

اول: کسانی که معتقدند اوراق مالیه امروزی موضوعیت و ارزشی ندارند و آن را حواله بر نقدین می دانند. اشکال نموده می گوید؛ اوراق در زمان ما به حسب اعتبار عقلانی موضوعیت و ارزش دارند و حواله بر نقدین نیستند.

دوم: از وجوب زکات بر نقدین الغاء خصوصیت می شود، به این بیان که اگر زکات بر طلا و نقره مسکوک واجب بوده به خاطر رایج بودن آن دو بوده.

۵۰. محمدجواد مغنیه، فقه الإمام الصادق علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۰،

۵۱. حسین علی منتظری، کتاب الزکاة (للمنتظري)، ج ۱، ص: ۲۸۰-۲۸۲،

سوم: از عمومات و اطلاقات اولیه استفاده می‌شود که زکات در همه اموال ثابت است مانند: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً»^{۵۲} از اموال آن‌ها صدقه یعنی زکات بگیر.

ایشان می‌گویند: اگر زکات در آن زمان‌ها به نه چیز تخصیص داده شده به خاطر این است که اموال زکوی همان نه چیز بوده است از جمله زکات نقدین، نه اینکه به حسب همه زمان‌ها باشد. مؤید این مطلب روایات مستفیضه‌ای است که بیانگر این مطلب است از آنجاکه پیامبر گرامی اسلام حاکم اسلامی در عصر خودش هست زکات را بر همه اموال مسلمین آن روز واجب کرد که عمده ثروت عرب در آن عصر همان اشیاء نه‌گانه بوده است و از مابقی عفو نموده است. او معتقدند که زکات واجب بیشتر از نه چیز است اما موارد آن بستگی به مقدار احتیاجات و نیازهای مردم هر مکان و زمان دارد که توسط حاکم اسلامی برای رفع فقرشان در اموال مختلف مقرر می‌شود، تخصیص زکات به موارد نه‌گانه در این زمان مخالف روح و حکمت تشریع زکات است و نتیجه‌گیری می‌کند که بنا بر احتیاط متعلقات زکات بیشتر از نه مورد است و احتمال داده می‌شود که همه اوراق مالیه جانشین نقدین رایج قرار بگیرند پس بنا بر احتیاط زکات در تمام اوراق مالیه ثابت است.

علامه محمدتقی جعفری (ره)^{۵۳} برای اثبات زکات در غیر موارد نه‌گانه پنج دلیل اقامه نموده است: دلیل اول: از عمومات آیات قرآن کریم که برای اخراج زکات دستور داده شده هیچ‌گونه مقدار و خصوصیتی ذکر نشده است، چنین استفاده می‌شود که پرداخت مال به عنوان انفاق و زکات به هدف ریشه‌کن کردن احتیاجات است که این علت (رفع احتیاجات، بلکه پیشگیری) در روایات فراوانی نیز آمده. پس بایستی زکات آن اندازه مقرر گردد که علت مزبور حاصل شود. حکمی که علت آن

۵۲. توبه/۱۰۳.

۵۳. محمدتقی جعفری، تبریزی، رسائل فقهی، ص: ۶۶-۷۱.

منصوص باشد، یعنی گفته باشند که این برای چه وضع شده است، مطابق آن علت و تحقق و عدم تحقق آن، دایره حکم توسعه و تضییق می‌یابد و در زکات، روایاتی هست که آن را در شمار احکام منصوص العله درمی‌آورد، یعنی روایاتی درباره زکات وارد شده است که علت وجوب زکات را بیان کرده است.

دلیل دوم: در ۱۳ روایت از کتاب وسایل الشیعه کتاب زکات، دلالت دارند بر این که تعیین موارد نه‌گانه در زمان پیامبر (ص) فقط به‌عنوان صلاح‌دید و اعمال رویه حکومت وقت بوده است و با شرایط اقلیمی و زمانی سنجیده شده است نه این که حکم ابدی خدا باشد. زکات برای تنظیم و تأمین امور معاش آن دسته از افراد جامعه که نمی‌توانند کار کنند و یا کارشان برای اداره زندگی‌شان کافی نیست و همچنین دیگر مصارف اجتماعی از قبیل انتظامات و دفاع در مقابل دشمن و تنظیم اقتصاد اجتماعی و غیره باید از این مالیات تأمین گردد. اکنون، در این روزگار، ما می‌بینیم که مواد نه‌گانه مذکور و مقداری که به‌عنوان زکات از آن‌ها اخراج می‌شود، برای تنظیم و تأمین معاش مستمندان و سامان دادن دیگر امور اجتماعی کافی نیست.

دلیل سوم: دلیل بسیار روشنی بر این مطلب، کاری است که خود امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در دوران زمامداری خود انجام داده‌اند: محمد بن مسلم و زراره از هر دو امام (امام باقر و امام صادق علیه‌السلام) نقل می‌کنند که امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای اسب‌هایی که به چراگاه می‌رفتند در هر سال دو دینار زکات وضع کرد^{۵۴}. با اندک توجهی به فقه اسلامی و قوانین آن، این مطلب روشن است که اگر مقدار مقرر، حتمی و ابدی و غیرقابل تغییر بود، مانند عدد رکعات در نمازها، افزودن ماده دیگری به مواد زکات به‌وسیله امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام برخلاف قانون اسلامی بود.

دلیل چهارم: یونس بن عبدالرحمن^{۵۵} بنا به نقل کلینی صاحب کتاب کافی، انحصار مواد زکات را در ۹ ماده، مخصوص صدر اسلام دانسته است و مواد دیگری را که در روایات، ضمیمه مواد مقرر شده است به مراحل بعد از صدر اسلام حمل نموده است^{۵۶}.

دلیل پنجم: روایتی است از ابو بصیر، می گوید به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم آیا برنج زکات دارد؟ فرمود: بلی، سپس فرمود: در آن زمان در مدینه برنج نبود لذا درباره برنج چیزی گفته نشده است، ولی فعلاً برنج کاشته می شود، چگونه برنج زکات ندارد در صورتی که عموم مالیات عراق از برنج است؟ «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع هَلْ فِي الْأُرْزِ شَيْءٌ فَقَالَ نَعَمْ- ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْمَدِينَةَ لَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ أُرْزٍ- فَيَقَالَ فِيهِ وَ لَكِنَّهُ قَدْ جُعِلَ فِيهِ- وَ كَيْفَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَ عَامَّةُ حَرَّاجِ الْعِرَاقِ مِنْهُ»^{۵۷}

آیت الله محمدهادی معرفت، می گوید: «موضوع زکات، پول نقد بودن است و طلا و نقره بودن موضوعیتی ندارد نه جزء الموضوع است و نه تمام الموضوع، اینکه در روایات طلا و نقره آمده از آن جهت بوده است که پول رایج آن زمان طلا و نقره بوده است نه آنکه طلا و نقره خصوصیتی داشته باشد. از این رو در مطلق طلا و نقره زکات نیست بلکه تنها در طلا و نقره ای که به صورت سکه

۵۵. یونس بن عبدالرحمن یکی از عالی مقام ترین روات و فقهای امامیه است. در زمان هشام بن عبدالملک متولد گشته از حضرت موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت نقل نموده است. علی بن موسی الرضا علیه السلام در علم و فتوا مردم را به او ارجاع می کرده است (رجال نجاشی، ۳۴۸) از طرف علی بن موسی الرضا علیه السلام وکیل بوده است. شخصی به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: دستم به شما نمی رسد، امور دینی را از چه شخصی بپرسم؟ فرمود: از یونس بن عبدالرحمن. او در حدود ۲۰ کتاب در موضوعات مختلف نوشته است.

^{۵۶}. آقا رضا بن محمدهادی همدانی، مصباح الفقیه، ج ۱۳، ص: ۱۰۴ و کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص: ۵۰۹.

^{۵۷}. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص: ۶۴.

رایج درآمده باشد زکات هست. بنابراین تمام الموضوع سگه رایج بودن است و می‌توان گفت هر نقد رایجی مورد زکات است منتهی در اموال نقدی شرایط وجوب زکات کمتر تحقق می‌یابد.^{۵۸}

وهبه زحیلی از فقیهان معاصر اهل سنت می‌گوید؛ از آنجاکه نظام ورق‌های نقدی بعد از جنگ جهانی اول به وجود آمده، فقها گذشته از آن بحثی نکرده‌اند فقط فقها معاصر از حکم زکات آن بحث کرده‌اند؛ جمهور فقها حنفی، مالکی و شافعی زکات اوراق نقدیه را واجب می‌دانند، زیرا این پول‌ها یا به مثابه دین قوی بر خزانه دولت است یا سندهای دین هستند یا حواله‌ای مصرفی است ولی پیروان مذهب حنبلی زکات را بر اوراق نقدی واجب نمی‌دانند.^{۵۹} و هبه زحیلی در مقام نتیجه‌گیری می‌گوید: «حق این است که زکات بر اوراق نقدی واجب است، زیرا اوراق نقدی ثمن اشیاء شده و تعامل با طلا ممنوع گردیده^{۶۰}». او در ادامه می‌گوید: «قولی که زکات را در پول‌های اعتباری واجب نداند بدون شک اجتهاد خطاست، زیرا این قول در نتیجه منجر می‌شود به اینکه مهم‌ترین نوعی از اموال زکات نداشته باشد^{۶۱}». همو، دیدگاه غیر مشهور مالکیه را مطرح نموده که آنان نقود را مطلق در ثمنیت می‌دانند، با پذیرفتن این دیدگاه قائل به وجوب زکات پول‌های اعتباری است، می‌گوید: «بنا بر دیدگاه اخیر، امکان قیاس همه نقود بر طلا و نقره است و آن چیزی است که وسیله یا واسطه مبادله است و به این اعتبار ثمن اشیاء و مقیاس قیمت قرار می‌گیرد، پس پول نقد معاصر ثمن اشیاء است، بنابراین ربا در آن جریان پیدا می‌کند و زکات در آن واجب است و این رأی محکمی است^{۶۲}»

۵۸. محمد هادی معرفت، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۱۰، ص: ۲۰-۲۱

۵۹. وَهْبَةُ الزَّحِيلِيِّ، الْفِقْهُ الْإِسْلَامِيُّ وَأَدَلَّتُهُ، ج ۳، ص ۱۸۲ (به بعد)

۶۰. همان.

۶۱. همان.

۶۲. همان، المعاملات المالية المعاصرة، ص ۱۵۰.

و نیز مدعی است که اکثر از فقیهان معاصر پول‌های اعتباری را به طلا و نقره ملحق نموده‌اند و زکات را در آن واجب می‌دانند.^{۶۳}

قرضاوی می‌گوید: این پول‌ها در هر کشور همان کاری را انجام می‌دهند که پول‌های معدنی (طلا و نقره) انجام داده‌اند. مهر ازدواج، قیمت و ارزش کالاها، اجرت کار، دیه قتل قرار می‌گیرند و پذیرفته می‌شوند و اگر سرقت شوند، حد سرقت در مورد سارق آنجاری می‌گردد. آن‌ها ذخیره می‌شوند و تملک می‌گردند و مالک آن‌ها به اندازه‌ای که از آن‌ها دارد، ثروتمند به شمار می‌آید. معنای همه این‌ها این است که این پول‌های کاغذی، همان وظایف نقود شرعی (طلا و نقره) و اهمیت آن‌ها را بر عهده دارد. پس چگونه رواست که فقرا و نیازمندان را از استفاده این گونه پول‌ها و وظایف آن‌ها محروم سازیم و اصولاً، می‌توان گفت که پول‌ها هر چیزی است که مقیاس ارزش، وسیله مبادله و وسیله ذخیره ارزش باشد و هر چیزی که این وظایف را انجام دهد، پول است، صرف‌نظر از ماده‌ای که از آن ساخته شده و صرف‌نظر از کیفیتی که به خاطر آن وسیله معامله در آغاز کار شده است.^{۶۴}

نویسندگان کتاب «الفتاوی الاقتصادية» می‌نویسند: «اصل در وجوب زکات در نقدین همان طلا و نقره است اعم از اینکه ضرب سکه شده باشد یا نه هرگاه اوراق بنکنوت که آن را بانک صادر می‌کند و تحت ضمانت بانک هست و مردم در تمام معاملات مالی‌شان از خرید و فروخت و پرداخت دیون و غیره از آن استفاده می‌کنند و تصرفاتی که در طلا و نقره‌ی مسکوک می‌کردند با این

۶۳. همان ص ۱۵۴.

۶۴. یوسف قرضاوی، فقه الزکاة، ج ۱، ص ۲۳۶، (مکتب الشامله)

اوراق می‌کنند، حکم آن را نیز به خود می‌گیرد زکاتش واجب است همان‌گونه که زکات طلا و نقره واجب است^{۶۵}».

دیدگاه مختار:

پیرامون وجوب زکات بر پول‌های اعتباری، دو دیدگاه مطرح شد. دیدگاه دوم که تعلق زکات بر پول‌های اعتباری امروزی باشد را به دلایل ذیل، اختیار می‌کنیم:

۱- ثابت شد که پول‌های امروزی از نگاه عرف عقلا و فقیهان مال محسوب می‌شود^{۶۶} و وجوب زکات در نه چیز، از جمله وجوب زکات در طلا و نقره به خاطر مالیت آن دو است. بنابراین پول‌های امروزی نیز مورد تعلق زکات است که مورد شمول اطلاعات و عمومات است مانند: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً»^{۶۷}

۲- وجوب زکات در روایات به عنوان وسیله اخذ شده نه به عنوان غایت و هدف، زیرا نقدین در آن زمان تنها پول رایج بوده است و این علت در پول‌های امروزی نیز موجود است که در تمام معاملات به جای طلا و نقره نشسته خود دارای ارزش و نقد رایج است.

۳- اگر زکات در اوایل ظهور اسلام به نه چیز تخصیص داده شده به خاطر این است که اموال زکوی همین نه چیز بوده است از جمله زکات نقدین، نه اینکه به حسب همه زمان‌ها باشد. پس پول‌های اعتباری امروزی نیز مشمول حکم وجوب زکات است.

۴- روایات متعددی دلالت دارند بر اینکه وجوب زکات بر اموال باید با شرایط اقلیمی و زمانی سنجیده شود نه اینکه حکم ابدی و بدون تغییر بر موارد آن باشد. چنانچه امام

^{۶۵}. مجموعة من المؤلفين، الفتاوى الاقتصادية، فتوى رقم ۱، المصدر: موقع الإسلام.

^{۶۶}. مراجعه شود به بحث مالیت پول از نگاه فقیهان در بخش اول همین مقاله.

^{۶۷}. توبه/۱۰۳.

علی(ع) در دوران زمامداری خود انجام داد و بر اسب‌های که به چراگاه می‌رفتند در هر سال دو دینار زکات وضع کرد^{۶۸}. همچنین امام صادق(ع) در پاسخ ابو بصیر می‌فرماید: برنج نیز زکات دارد، زیرا در صدر اسلام در مدینه برنج نبود لذا در باره برنج چیزی گفته نشده است، ولی فعلاً برنج کاشته می‌شود، چگونه برنج زکات ندارد در صورتی که عموم مالیات عراق از برنج است؟^{۶۹}.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که بر پول‌های اعتباری امروزی زکات واجب است، حالا باید مورد بررسی قرار دهیم که اگر کسی زکات و انفاقات مربوط به پول را پرداخت نکرد آیا مصداق کنز حرام هست یا نه؟

بخش سوم: کنز پول از نگاه مفسران

مفسران قرآن، در تفسیر آیه‌ی کنز در تشخیص مصداق کنز حرام و محدوده‌ی آن دچار اختلاف نظر شده‌اند. گروهی مفهوم کنز را به گردآوری مال و خودداری از پرداخت زکات منحصر دانسته‌اند و جمعی، معنی کنز را تعمیم داده و خودداری از پرداخت حقوق واجب از هر مال مازاد بر نیاز خود را از مصادیق کنز به حساب آورده‌اند. منشأ این اختلاف نیز روایات متفاوتی است که در این باره وجود دارد و به‌طور کلی می‌توان برای گنج اندوزی معیاری را تعریف نمود.

معیار کنز پول

با توجه به روایات و با بررسی دیدگاه‌های مفسران و فقیهان، ملاک‌ها و معیارهای ذیل برای کنز پول به دست می‌آید.

۶۸. حرّ عاملی، پیشین، ج ۹، ص: ۷۷.

۶۹. همان، ج ۹، ص: ۶۴.

۱- خودداری از پرداخت زکات

بدون شک، این فرض، مصداق روشن کنز حرام محسوب می‌شود. مشهور مفسرین و فقهای شیعه و اهل سنت معتقدند که بعد از پرداخت زکات، چیزی دیگری بر انسان واجب نیست، ذخیره‌سازی و انباشت ثروت و درآمد به صورت مطلق حرام نیست و جمع‌آوری آن بعد از پرداخت زکات اشکالی نخواهد داشت. فخر رازی در تفسیر آیه کنز این قول را به دانشمندان بزرگ صدر اسلام مانند «ابن عمر، جابر و ابن عباس» نسبت داده و می‌گوید: «علماء صحابه در مراد از کنز مذموم اختلاف کرده‌اند، بسیاری از آنان گفته‌اند؛ آن مالی است که زکاتش پرداخت نشده باشد»^{۷۰}؛ و ظاهراً خود او نیز همین قول را انتخاب کرده است. مجمع‌البیان^{۷۱} و تفسیر نمونه با این قید که «در شرایط عادی و معمولی یعنی در مواقعی که جامعه در وضع ناگوار و خطرناکی نیست و مردم از زندگانی عادی بهره‌مندند پرداختن زکات کافی است و باقیمانده کنز محسوب نمی‌شود و اما در مواقع فوق‌العاده و هنگامی که حفظ مصالح جامعه اسلامی ایجاب کند حکومت اسلامی می‌تواند محدودیتی برای جمع‌آوری اموال قائل شود»^{۷۲} نیز همین قول را با اندکی اختلاف پذیرفته‌اند. دلیل این قول، دسته‌ای از روایات است. اهل سنت از ابن عمر و دیگران نقل کرده‌اند که می‌گویند به چیزی که زکاتش را داده باشند، کنز نگویند.

«خالد ابن اسلم می‌گوید: همراه عبدالله بن عمر از شهر خارج شدیم، مرد اعرابی خطاب به ابن عمر گفت مراد آیه ۳۴ سوره توبه را برای من بگو. ابن عمر گفت هرکسی که طلا و نقره را کنز کرده

۷۰. محمد بن عمر، الرازی، (فخر رازی) مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر، ج ۱۶ ص ۴۰-۳۳.

۷۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۴۰.

۷۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص: ۳۹۶.

و زکات آن را پرداخت نکند وای بر آن و این پیش از حکم زکات بوده وقتی که حکم زکات فرستاده شد خداوند زکات را باعث طهارت اموال قرار داده است^{۷۳}».

ام سلمه می گوید: «زیور آلاتی از طلا پوشیده بودم به رسول خدا (ص) گفتم؛ آیا این کنز است؟ رسول خدا (ص) فرمود: آنچه به حدنصاب زکات رسیده باشد و زکات آن پرداخت شده باشد پس کنز نیست^{۷۴}».

در برخی روایات شیعی نیز این مضمون از رسول خدا (ص) نقل شده است؛ مانند روایتی که شیخ طوسی (ره) از آن حضرت نقل کرده است.

«وقتی که این آیه (آیه ۳۴ سوره توبه) نازل شد، رسول خدا (ص) فرمود؛ هر مالی که زکاتش پرداخت شود کنز نیست اگرچند زیر هفت طبقه زمین باشد و هر مالی که زکاتش پرداخت نشود آن کنز است اگرچند روی زمین باشد^{۷۵}».

و شیخ طوسی (ره) در تفسیر این آیه می گوید:

«مقصود کسانی هستند که اموال خود را بدون آن که زکاتش را پرداخت کرده باشند پنهان می کنند، زیرا اگر زکات اموال را پرداخت کرده و باقیمانده را کنز می کردند، ملامت نمی شدند. ایشان ادعا می کند که در این مسئله بین علما اختلافی وجود ندارد و این قول علمای سلف مانند ابن عباس، جابر، ابن عمر، حسن، سدی و جبائی است که قائل به اجماع شده اند^{۷۶}».

بنابراین، هرگاه شخصی اموالی را به صورت طلا و نقره و یا پول های اعتباری امروزی گردآوری و پنهان کند و یا به شکل زمین و اشیای مختلف، در تملک او باشد و زکات آن راپردازد و بقیه

۷۳ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۳؛ ص ۹.

۷۴ ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن أبي داود، ج ۲؛ ص ۶۷۴.

۷۵ محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار.

۷۶ محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵ ۲۰۹.

اموال خود را اندوخته کند، کار او کنز نیست و به موجب دلالت این روایات، معیار گنج اندوزی، گردآوری ثروت و پول، همراه با خودداری از پرداخت زکات است. لذا ثروت اندوزی هرگاه همراه با پرداخت زکات باشد حرام نخواهد بود. اکثریت مفسرین و فقهای اهل سنت و مشهور مفسرین و فقهای شیعه، این مسئله را این گونه تفسیر نموده و فتوا داده‌اند.

نقد دیدگاه اول:

گرچه این دیدگاه مطابق مشهور است، اما به چند دلیل قابل قبول نیست:

- ۱- این برداشت از طرفی با مفهوم عرفی کنز سازگار نیست؛ زیرا کنز به مفهوم عرفی به پول و مالی گفته می‌شود که جمع و روی هم انباشته شود و ذخیره گردد، اعم از آنکه مدفون باشد یا محفوظ. این مفهوم عرفی با این برداشت که مراد از کنز خودداری از پرداخت زکات باشد، متفاوت است.
- ۲- تفسیر مزبور مخالف ظاهر آیه است. ظاهر آیه ممنوعیت کنز طلا و نقره به صورت مطلق (چه زکات آن پرداخت شده باشد یا نباشد) و لزوم انفاق همه آن در راه خداست (نه جزئی از آن که زکات باشد).
- ۳- همه روایات مورد استناد این دیدگاه (حتی با مبانی رجالی اهل سنت) ضعیف و غیرقابل استنادند.
- ۴- انفاق واجب منحصر در زکات نیست و شامل خمس، جهاد و... نیز است.
- ۵- این دیدگاه مخالف با ظاهر بسیاری از روایات دیگر است که در مستندات دیدگاه‌های بعدی ذکر خواهد شد.^{۷۷}

^{۷۷}. سیدرضا حسینی، تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد، مجله: معرفت اقتصادی، ص ۱۰، سال اول بهار ۱۳۸۹ ص ۸۳-۱۱۱.

در نتیجه اینکه تنها با پرداخت زکات نمی‌توان گفت که باقی‌مانده ثروت و پول پس از اخراج زکات، گنج اندوزی نیست بلکه عدم پرداخت وجوه واجب که علاوه بر زکات که شامل خمس، کفارات، هزینه حج، جهاد و... است باعث کتز حرام گشته و داخل در وعید عذاب خواهد بود.

۲- خودداری از پرداخت وجوه واجب اعم از زکات و واجبات مالی دیگر

این دیدگاه معیار کتز را در عدم پرداخت وجوه واجب اعم از زکات و واجبات مالی دیگر مانند کفارات واجب و هزینه حج واجب و... می‌داند.

فخر رازی به نقل از قاضی می‌گوید:

«کنز، مالی است که وجوه واجب از آن اخراج نشده باشد و در وجوه واجب نیز بین زکات، کفارات واجب و هزینه حج واجب یا نماز جمعه و وجوهی که خرج آن در راه دین و حقوق واجب و انفاق بر اهل و عیال و ضمان چیزهایی که تلف کرده و پرداخت جریمه جنایت‌هایش لازم است، فرقی وجود ندارد؛ بنابراین پرداخت همه این اقسام واجب است که در صورت عدم پرداخت آن‌ها داخل در وعید عذاب الیم است»^{۷۸}.

بر این اساس، اگر کسی پس از پرداخت همه حقوق مالی واجبش، مالی را جمع‌آوری کرده و نگه دارد، کنز نیست.

نقد دیدگاه دوم:

درست است که این دیدگاه دایره‌ی کنز را توسعه داده و خودداری از پرداخت وجوه واجب اعم از زکات و واجبات مالی دیگر را کنز دانسته است. لکن با مفهوم اصطلاحی کنز سازگاری ندارد که در مفاهیمی چون ذخیره کردن وجه نقد و عدم سرمایه‌گذاری آن در امور تولیدی و تجاری که به مثابه نشت درآمد ملی است که کنز کننده پول را از گردش خارج کرده و از میزان درآمد می‌کاهد.

^{۷۸}. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۶ ص ۴۰-۳۳.

۳- خودداری از انفاق در راه خدا و گردآوری ثروتی بیش از حد کفاف

این دیدگاه، ذخیره‌سازی و راکد گذاشتن مال، به‌ویژه پول را مطلقاً حرام می‌دانند و معتقدند برای اجتناب از چنین چیزی باید مال را در معرض مبادله و گردش اقتصادی گذاشت. صاحبان این دیدگاه پرداخت زکات را به‌تنهایی در اداء وظایف مالی کافی نمی‌دانند و می‌گویند هرچه از مال را که شخص بیشتر از نیاز خود داشته باشد و آن را حبس کند گنج محسوب می‌شود، در صورت نیاز جامعه مسلمان باید برای رفع نیاز دیگران، علاوه بر زکات، انفاق کرده و از گنج اندوزی خودداری کند.

فخر رازی از مفسران اهل سنت، پس از بیان ادله و مستندات هریک از اقوال پیرامون معیار کنز می‌گوید:

«و بدان راه حق این است که انسانی که پیرو دین است، بهتر است به جمع‌آوری مال زیاد نپردازد، ولی در عین حال در ظاهر شریعت از چنین کاری منع نشده است؛ بنابراین، مطلب اول (اولویت جمع‌آوری نکردن مال زیاد) مقتضای تقوا و مطلب دوم (عدم منع از چنین کاری) مقتضای ظاهر فتواست»^{۷۹}.

گرچه فخر رازی تصریح نکرده بر این که اگر پیرو دین مال زیادی جمع‌آوری کرد، مال او کنز و مستحق عذاب است لکن او به صراحت پیروان دین را از جمع‌آوری مال زیاد بر حذر داشته است و آن را خلاف تقوا دانسته و در تشریح آن می‌گوید کسی که به جمع‌آوری مال زیاد می‌پردازد باعث حرص شدید گشته که این موجب اضرار به نفس است پس بر انسان عاقل واجب است که آن را ترک کند تا از اضرار به نفس جلوگیری نماید و جمع‌آوری و نگهداری مال زیاد بسیار دارای مشقت شدید سختی‌های فراوان است که انسان در تمام عمر خود به دنبال به دست آوردن مال و نگهداری

^{۷۹}. فخر رازی، همان.

آن بکوشد و نفعی ندارد مگر خیلی کم و در آخر هم با تمام حسرت آن را باید ترک کند و این همان خسران مبین است و زیادی مال و ثروت باعث طغیان انسان می‌شود همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «ان الانسان ليطغى ان رآه استغنى - علق ۶ و ۷» و طغیان مانع رسیدن بنده به مقام رضوان پروردگار می‌شود و او را در خسران و خذلان می‌اندازد.^{۸۰} از این بیان فخر رازی می‌توان نتیجه گرفت که او جمع‌آوری و ذخیره اموال بیش از حد کفاف را که در راه خدا اتفاق نشود جایز ندانسته و مصداق کنز می‌داند.

صاحبان این دیدگاه فلسفه حرمت کنز را به چرخش درنیامدن چرخه‌ای اقتصادی جامعه و استفاده نکردن از امکانات موجود آن می‌دانند و می‌گویند همین‌که ثروت از حالت رکود خارج شده و فعال شود، جامعه استفاده خود را خواهد برد؛ یکی با سود فروش و یکی با دستمزد و یکی با خرید و مصرف و...^{۸۱}

علامه طباطبائی (ره) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «عدم اتفاق در راه خدا، دلالت دارد، بر این‌که کنزی که ملازم با خودداری کردن از اتفاق مال در راه خداست مبعوض خداوند است»^{۸۲}.

ایشان سبیل الله را تشریح نموده می‌گویند؛ و از کلام خدای متعال استفاده می‌شود که راه خدا عبارت است از چیزی که قیام دین خدا و سالم ماندن بنیاد دین بر آن توقف دارد، مانند جهاد و همه مصالح دین که حفظ آن واجب است و همه آن شؤونی که اگر از بین بروند، جامعه مسلمین از هم فرومی‌پاشد و حقوق واجبی که دین به وسیله آن‌ها بنیانجامعه دینی را اقامه می‌کند؛ بنابراین اگر کسی طلا و نقره را کنز کند، درحالی‌که نیاز و ضرورت وجود دارد، در این صورت طلا و نقره را کنز کرده و آن را در راه خدا اتفاق نکرده است. از این رو باید به عذاب الیم بشارت داده شود؛ زیرا خودش

^{۸۰}. فخر رازی، همان.

۸۱. سیدرضا حسینی، پیشین، ص ۱۱.

۸۲. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص: ۲۵۰.

را بر خدایش ترجیح داده و نیاز احتمالی خود یا فرزندانش را بر نیاز قطعی جامعه دینی مقدم کرده است.^{۸۳}

علامه طباطبایی (ره) سپس می‌افزاید: اسلام برای اصل ملک از جهت مقدار، حدّی تعیین نکرده است. اگر فردی، چندین برابر آنچه کنز کرده جمع‌آوری کند، ولی آن را به‌صورت کنز نگه ندارد، بلکه در معرض جریان قرار دهد و از آن برای خود، هزاران هزار استفاده ببرد و به سبب خرید و فروش یا کار و مانند آن به دیگران فایده رساند، نهی دینی به او متوجه نمی‌شود؛ زیرا اموال را در جلوی چشم مردم قرار داده و در راه رشدی که صالح و نافع است انداخته و آن را مخفی نکرده و از صرف آن در راه خدا منع نکرده است. اگرچه آن را به‌صورت بالفعل در راه خدا صرف نمی‌کند، ولی به‌گونه‌ای است که اگر ولی مسلمین اراده کند، در صورت لزوم او را به انفاق امر خواهد کرد. ایشان در نتیجه می‌گویند: «پس آیه ناظر به کنزی است که همراه با امتناع از انفاق در حقوق مالی واجب است نه به معنی زکات واجب فقط بلکه به معنی اعم از زکات واجب و غیر واجب است از هر آنچه موجب اقامه ضرورت مجتمع دینی است از جهاد، حفظ نفوس از هلاکت و امثال آن»^{۸۴}. مستند این دیدگاه دسته‌ای از روایات است که از نظر کاربردی بسیار حائز اهمیت است را مورد بحث قرار خواهیم داد. سماعه بن مهران از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود:

«خدای عز و جلّ در اموال اغنیاء حقی را واجب کرده است و آن زکات است و لکن خداوند در اموال ثروتمندان حقوقی را علاوه بر زکات واجب کرده است؛ پس تلاوت فرمود: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ»^{۸۵} پس حق معلوم غیر از زکات است و آن

^{۸۳}. طباطبایی، همان.

^{۸۴}. همان.

^{۸۵} (۲) المعارج: ۲۵.

چیزی است که شخص از مال خود، به قدر توانایی مالی که دارد، هر روز یا هر هفته یا هر مال در راه خدا می دهد و آنچه در آیهی «أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»^{۸۶} و «يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً»^{۸۷} و «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ»^{۸۸} آمده منظور، پرداخت غیر از زکات است»^{۸۹}.

از آنجاکه ثروت به منزلهی خون در پیکر جامعه است و برای حفظ سلامت جامعه، لازم است پیوسته در جریان باشد، طبیعی است که تراکم آن در یک نقطه یا نقاط خاص، زیان بار و ویرانگر خواهد بود. چنانکه سید رضی (ره) در نهج البلاغه از امام علی (ع) روایت نموده است: «خداوند در اموال ثروتمندان خورد و خوراک نیازمندان را واجب نموده است، نیازمندی گرسنه نمی ماند مگر با منع غنی از حقوقشان و خدای متعال اغنیا را از این حیث مورد پرسش قرار می دهد»^{۹۰}. اسلام برای پیشگیری از تمرکز بی رویه ثروت، گنج اندوختن را صریحاً تحریم کرده و خداوند دربارهی گنج اندوزان چنین فرموده است:

«وَأَن هَا رَا كَه طَلَا وَ نَقْرَه رَا كُنْجِيْنَه (و ذخیره و پنهان) می سازند و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناك بشارت ده در آن روز که آن ها را در آتش جهنم گرم و سوزان کرده و با آن صورت ها و پهلوها و پشت هایشان را داغ می کنند (و به آن ها می گویند) که این همان چیز است که برای خود گنجینه ساختید پس بجشید چیزی را که برای خود اندوختید!»^{۹۱}.

^{۸۶}. الحديد: ۱۷.

^{۸۷}. ابراهيم: ۳۲.

^{۸۸}. الرعد: ۲۲.

^{۸۹} کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، ج ۳، ص ۴۹۸.

^{۹۰}. حر عاملی، وسائل الشیعة ج ۹؛ ص ۲۹.

^{۹۱}. توبه/ ۳۴-۳۵.

هرچند در صریح آیه، به گنج نهادن طلا و نقره تصریح شده و به فاعل آن نوید عذاب داده است، لکن با توجه به دیدگاه دانشمندان و فقیهان معاصر ثابت شد که طلا و نقره بودن موضوعیتی ندارد، ذکر طلا و نقره از آن جهت بوده است که پول رایج زمان نزول قرآن کریم طلا و نقره بوده است نه آنکه طلا و نقره خصوصیتی داشته باشد و می توان گفت که هر نقد رایج در هر عصری که مورد تأیید عرف و عقلاء باشد را شامل می شود و به این نتیجه می رسیم که مراد شارع مقدس از گنج اندوزی حرام، آن است که انسان مال و ثروت را انباشته کند و با وجود نیاز جامعه به آن، اموال خود را از چشم مسئولین و نظام حاکم پوشیده نگاه دارد و با تکیه بر حق مالکیت شخصی، حق خداوند و جامعه اسلامی را نادیده انگارد. بدون شک چنین کاری از مصادیق گنج اندوزی و اکتناز محسوب می شود، هرچند پول فلزی یا به گونه ای دیگر باشد و آن را به صورت دفن در زمین یا سرمایه گذاری در بانک ها و مراکز تولید به جریان بیندازد؛ زیرا در مفهوم کنز، انباشتن، حبس مال و جلوگیری از جریان مفید آن در جامعه ی بشری نهفته است^{۹۲}. البته، هرگاه نقش بانک ها، ارائه ی خدمات اقتصادی و تسهیلات مالی به شهروندان و وساطت در سرمایه گذاری های سودآور بر پایه ی مبانی صحیح عقلی و شرعی باشد، عمل چنین مؤسسه ای، هرگز در اقتصاد جامعه، نقش منفی نخواهد داشت و سرمایه گذاری در آن مصداق روشنی می تواند در توزیع ثروت، نقش مثبت ایفا کند و مناسبت اقتصادی را به گونه ی عادلانه و منطقی تنظیم نماید^{۹۳}.

نویسندگان کتاب الحیات پس از نقل آیات کنز و روایاتی که در این باره وارد شده، می گویند؛ آنچه از این تعالیم اسلامی و نظایر آن ها به دست می آید، این است که ملاک در بخشیدن مال از بین بردن فقر از عرصه جامعه اسلامی و زندگی انسان است نه پرداختن نصاب های معین به تنهایی،

^{۹۲}. سید محمود محمودی گلپایگانی، تحلیل فقهی احکام کنز، ص ۴، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۹، از صفحه ۱۱۹-۱۴۳.
^{۹۳}. همان.

پس اگر فقر با پرداختن همه نصاب‌های شرعی از میان نرود، باید توانگران از بازمانده مال خود چندان بدهند تا نیاز نیازمندان از میان برود و کمبود داران در معیشت کمبودی نداشته باشند. قرآن و اسلام روا نمی‌دارد که اموالی و امکاناتی وجود داشته باشد و در کنار آن اموال و امکانات فراوان و اندوخته، فقیران و نیازمندی در دوزخ محرومیت بسوزند؛ و عذر توانگران آن باشد که زکات ظاهری (رسمی) را پرداخته‌اند.^{۹۴}

دیدگاه مختار

از بین معیارهای سه‌گانه برای کنز پول، معیار سوم را اختیار می‌کنیم، زیرا در این معیار کنز به معنی ذخیره‌سازی و راکد گذاشتن پول و ثروتی بیش از حد کفایت و عدم انفاق مال در راه خدا است، اعم زکات واجب و غیر واجب، به‌گونه‌ای که قیام دین خدا و سالم ماندن بنیاد دین بر آن توقف داشته باشد مانند جهاد و همه مصالح دین که حفظ آن واجب است و جامعه اسلامی بدان نیاز و ضرورت داشته باشد، در این صورت است که چرخه‌ای اقتصادی جامعه به چرخش در نمی‌آید و در حالت رکود به سر می‌برد که بدون شک مصداق کنز حرام است. البته این مطلب حائز اهمیت است که اسلام برای اصل ملک از جهت مقدار حدّی تعیین نکرده است که اگر فردی ثروتی زیادی جمع‌آوری کرده باشد لکن به‌صورت کنز نگه ندارد بلکه در معرض جریان قرار دهد و از صرف آن در راه خدا منع نکرده باشد و خود از آن چندین برابر استفاده ببرد، اما به سبب فایده رساندن به دیگران و جامعه اسلامی، نهی دینی متوجه او نمی‌شود. پیرامون معیار سوم گنج اندوزی، روایات بسیار و در حد تواتر یا استفاضه است^{۹۵}؛ بنابراین آن دسته از اخبار که مفاد آیه‌ی کنز و عموم دلالت آن را نیز تأیید می‌کند، برای اثبات معیار گنج اندوزی کافی خواهد بود. در این صورت معیار سوم

۹۴. حکیمی محمد رضا و حکیمی محمد و حکیمی علی، الحیة / ترجمه احمد آرام، ۶ جلد، ج ۴، ص: ۲۱۷.

۹۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۳، کتاب الزکاة، ص ۴۹۶.

نیز مانند معیار اول و دوم، مصداق گنج اندوزی حرام است و در نتیجه، در اداء وظیفه‌ی مالی، در صورت نیاز جامعه، پرداخت زکات و واجبات دیگر، کافی نیست و مسلمان باید برای رفع نیاز دیگران، علاوه بر پرداخت وجوه واجب، انفاق کرده و از گنج اندوختن خودداری کند. حال باید به این سؤال پاسخ گفت که با معیار اقتصاد اسلامی حد مجاز ذخیره پول چه مقدار است؟

حد مجاز ذخیره پول

روایاتی که در تفسیر آیه کنز وارد شده حاکی از اختلاف در حد مجاز ذخیره پول است

۱. صرفاً به اندازه هزینه زندگی

امام صادق(ع) می‌فرماید:

« خداوند این اموال زیاد [مازاد بر هزینه زندگی] را به شما داد تا آن را در راهی که خداوند نشان

داده به کار برید و این اموال را به شما نداد تا کنزشان کنید»^{۹۶}.

این حدیث که در حقیقت آیه ۳۴ سوره توبه را تفسیر می‌کند، با قید «إِنَّمَا أُعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولُ» می‌رساند که صرفاً به اندازه هزینه زندگی را می‌توان ذخیره کرد و مازاد بر آن را باید در راه خداوند خرج نمود؛ اما هزینه زندگی، یک مفهوم عرفی است که با توجه به عرف ملل و جوامع مختلف بالنسبه به هر عصری مختلف است.

در روایت دیگر، معاذ بن کثیر می‌گوید؛ شنیدم امام صادق(ع) می‌فرمود:

«شیعیان ما فعلاً آزادند که از آنچه در دست دارند در راه خیر انفاق کنند (و باقیمانده برای آنها حلال است) اما هنگامی که «قائم» ما قیام کند، تمام کنزها و ثروت‌های اندوخته را تحریم خواهد

^{۹۶}. همان، ج ۴؛ ص ۳۲.

کرد تا همه را نزد او آرند و از آن در برابر دشمنان کمک گیرد و این مفهوم کلام خداست که در کتابش فرموده: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُوهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»^{۹۷}

این روایت نیز حاکی از آن است که به اندازه مخارج زندگی را می توان ذخیره کرد و مازاد بر آن را در راه خیر انفاق نمود که در زمان غیبت امام عصر (عج) باقی مانده آن برای شیعیان حلال است.

۲. دو هزار درهم

امام باقر (ع) در تفسیر آیه ۳۴ سوره توبه می فرماید:

«چون مال از دو هزار درهم بگذرد، مشمول این آیه می شود- و فرمود: - علما هر شب به حساب خود می رسند و اگر پول نقد در نزد ایشان بیش از دو هزار درهم باشد، آن را بیرون می برند و تقسیم می کنند؛ و در نزد ایشان بیش از دو هزار درهم نمی ماند»^{۹۸}.

امام باقر (ع) در این روایت حدّ مجاز جمع ثروت را با توجه به شرایط زمان خود بیان کرده و داشتن مال بیش از دو هزار درهم را مشمول کنز حرام دانسته است و نیز می فرماید: «مَا جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشْرَةَ آلَافٍ مِنْ جِلْهًا»^{۹۹} «هیچ مردی از راه حلال ده هزار درهم نمی تواند جمع کند».

۲. چهار هزار درهم

از امام علی (ع) روایت شده که فرمود: «آنچه زیاده بر چهار هزار (درهم) باشد گنج است، خواه زکات آن را پرداخته باشد یا نه و کمتر از آن نفقه (خرجی) است»^{۱۰۰}. در این روایت به صراحت

۹۷. همان، ص: ۶۱.

۹۸. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص: ۲۷۴.

۹۹. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۶۶.

۱۰۰. همان.

جمع‌آوری ثروت و پول بیش از چهار هزار درهم گنج محسوب شده و کمتر از آن نفقه و خرجی است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «مال چهار هزار است؛ دوازده هزار درهم گنج است؛ از حلال بیست هزار جمع نمی‌شود؛ دارنده سی هزار در معرض هلاک است و آن‌کس که صد هزار درهم داشته باشد، شیعه ما نیست»^{۱۰۱}.

مرحوم فیض کاشانی صاحب تفسیر صافی، پس از نقل روایات متعددی که درباره این آیه وارد شده می‌فرماید:

«در جمع بین این روایات، شاید بتوان چنین گفت: که جمع مال به انگیزه صحیح تا دو هزار درهم یا چهار هزار درهم بعد از پرداخت حقوق واجب جایز است و از جمله حقوق واجب، حق امام علیه‌السلام در وقتی است که ظهور کنند. [و این حق در زمان ظهور امام زمان علیه‌السلام] مازاد بر مالی است که زندگی صاحب آن را در حد کفایت تأمین می‌کند»^{۱۰۲}.

چنانکه ملاحظه شد در احادیث به مقداری که «کنز» نامیده می‌شود اختلاف است و این باعث خلق سؤال می‌شود که چرا ائمه اطهار علیهم‌السلام مقدار خاصی را معیار قرار نداده‌اند؟ در ذیل با استفاده از دیدگاه اندیشمندان اسلامی به این سؤال پاسخ می‌دهیم.

علت اختلاف احادیث نسبت به مقدار «کنز»:

اختلاف احادیث نسبت به مقدار «کنز»، نتیجه‌ای از یک اصل کلی در قضایای اقتصادی است و آن این است که قضایای اقتصادی ارتباط محکمی با موضوعات خارجی و واقعیات زندگی و ترازهای اجتماعی در حال تغییر و تطوّر دارد و آشکار است که این احادیث در زمان‌ها و مکان‌های

۱۰۱. حکیمی، الحیة، ج ۴، ص: ۱۶۱.

۱۰۲. محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص: ۳۴۱.

مختلف صادر شده است و با مقارناتی متفاوت- بر حسب اوضاع و احوال- و امکانات اقتصادی و اجتماعی غیر ثابت همراه بوده است. پس طبیعی، بلکه ضروری است که مقادیری که در احادیث برای اندازه کنز (اندوخته) ذکر شده است، با یکدیگر متفاوت باشد و این امر، علاوه بر آنکه مایه سستی احادیث و دلالت آن‌ها نمی‌شود، مؤید و مثبت مفاهیم آن‌ها نیز خواهد بود، زیرا دلالت بر آن دارد که موضوع کنز (اندوخته)، در زمان‌ها و اوضاع و احوال مختلف مطرح گشته است و برای تعیین مقدار آن، واقع زندگی و سطح معیشتی را، که پیوسته تابع واقعیت است، مورد ملاحظه قرار داده است.^{۱۰۳} «مبلغ» های یادشده در این احادیث، به مقتضای هر زمان و شهر و محیط زندگی تعیین می‌شود. پس آنچه در احادیث آمده است عنوان چارچوب دهی و مرز گذاری دارد نه تعیین قطعی و اختلافی که در ذکر «مبلغ» در این احادیث به چشم می‌خورد، بر همین امر دلالت دارد.^{۱۰۴} بنابراین، می‌توان علت اختلاف احادیث را در مطالب ذیل دریافت:

الف: واقع گرایی در احوال مختلف

آشکار است که سطح مالی و وضعیت اقتصادی و زمینه مصرف، در مقایسه با عناصر زیر متغیر است: ۱- افراد، ۲- احوال، ۳- زمان‌ها (نسبت به افراد)، ۴- زمان‌ها (نسبت به جامعه‌ها)، ۵- جامعه‌ها، ۶- محیط‌ها، ۷- سطح‌ها و ترازها، ۸- خرج‌ها و هزینه‌ها، ۹- شرایط، ۱۰- مشاغل و درآمدها.

پس مثلاً يك فرد از مردم، نسبت به دو زمان، یا نسبت به دو وضعیت، یا نسبت به دو شغل، یا نسبت به دو جا و دو شهر و دو کشور، یا نسبت به امکانات و شرایط، یا نسبت به محیطی که در آن زندگی می‌کند، یا نسبت به هزینه‌هایی که می‌پردازد و افرادی که در زیر تکفل خود دارد ... حالاتی

۱۰۳. حکیمی، پیشین، ج ۴، ص: ۲۳۹.

۱۰۴. همان.

گوناگون پیدا می‌کند، لیکن همه این‌ها مجوّزی برای آن نمی‌شود که شخص درزمینه مالی، از اعتدال فردی و موازنه اجتماعی و حدّ قوامی و میانه‌ای که اسلام معین کرده است خارج شود.^{۱۰۵}

ب: تقریب در تعیین مقدار

به دلیل واقعیت جاری از نظر اختلاف‌ها، که در مطلب اوّل به آن اشاره کردیم، می‌نگریم که ائمه طاهرین (ع)، مقدار کنز (اندوخته) را- چنان‌که پیش‌تر اشاره شد- با اختلاف معین کرده‌اند، چون نمی‌خواسته‌اند اندازه‌ای واحد و نامتغیر را بیان کنند، از این‌رو آنچه ذکر کرده‌اند از حیث مقدار متفاوت است، چنان‌که از لحاظ اعتبار نیز متفاوت است؛ زیرا که بیان اندازه برای مال و ثروت نمی‌تواند- جز به تقریب- صورت عام کلی داشته باشد تا بتواند با زمان‌ها و مکان‌های مختلف و اوضاع و احوال آن‌ها سازگاری پیدا کند و سبب دشواری و گرفتاری (عسر و حرج) نشود و از ارفاق و سازگاری که اسلام به آن توجّه دارد بیرون نرود، لیکن این‌ها همه به شرط آن است که اصل چارچوب عام را که اسلام تعیین کرده است نقض نکند.^{۱۰۶}

ج: پرهیز از تجویز مال تکاثری

علاج تکاثر انفاق مال است که در احادیث مورد تأکید قرار گرفته است. چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «لیس من شیعتنا من ملک عشرة آلاف درهم، إلا من أعطی یمینا و شمالا و قدّام و خلف»^{۱۰۷}- کسی که ده هزار درهم دارد از شیعیان ما نیست، مگر اینکه به صورت‌های گوناگون به مصرف‌های درست برساند. یکی دیگر از علل اختلاف نسبت به مقداری که «کنز» نامیده می‌شود در احادیث ائمه طاهرین (ع) این است که فزونی مجاز مال در نظر اسلام به حدّی

۱۰۵. همان، ص: ۲۴۰

۱۰۶. همان، ص: ۲۴۱

۱۰۷. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الانوار، ۲۷۴.

مفرط و سنگین نمی‌رسد و مسلمانان وظیفه‌دارند که پس از تأمین حد کفاف زندگی به جامعه اسلامی و مستمند آنجامعه اتفاق نمایند تا از تجمع مال «تکاثری» و سرمایه‌داری ستمگرانه جلوگیری شود. چون این دین و اولیای آن، از این بلای ساقط کننده افراد و تباه کننده زندگی انسان‌ها و فرساینده اجتماعات و حیثیت آن‌ها، در همه زمان‌ها و شرایط می‌بایند.

تعالیم یادشده، با کسب مال به مقداری بیش از نیاز انسان تناقض ندارد، به شرط آنکه اموری را در آن مورد ملاحظه قرار دهند:

۱. طلب مال منطبق بر موازین شرعی باشد.
۲. در طلب مال اعتدال را نگاه دارند و حرص و ولع نداشته باشند.
۳. مال زیادی را نگاه ندارند، بلکه فزونی را در راه خدا ببخشند.
۴. باید مال را در معرض مبادله و گردش اقتصادی گذاشت.
۵. در معرض دید مسئولین حکومت اسلامی باشد که تا در صورت نیاز جامعه اسلامی مورد استفاده قرار بگیرد.

سؤال دیگری که لازم است پاسخ گفته شود این است که با توجه به شرایط امروزی آیا کنز پول به انگیزه سفته‌بازی و بورس‌بازی مصداق کنز حرام است؟

کنز پول به انگیزه سفته‌بازی و بورس‌بازی

ممکن است عده‌ای از مردم به انگیزه انجام معامله‌های سودآور مانند سفته‌بازی و بورس‌بازی، پول نگهدارند که از نظر فقهی از دو جهت ممکن است مورد اشکال قرار گیرد:

۱- نگهداری پول به این انگیزه مصداق کنزی است که در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره توبه تحریم شده است.

۲- انجام معاملات سودآور، همان بورس‌بازی است که در شریعت ممنوع شده است.

لازم است که هریک از سفته‌بازی و بورس‌بازی را اجمالاً تعریف نموده و سپس تأیید و عدم تأیید آن از دیدگاه فقه اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

سفته‌بازی، به معنی خرید و فروش سفته‌های بازرگانی و اوراق بهادار، است.^{۱۰۸} سفته‌بازی یا بورس‌بازی^{۱۰۹} به انجام معاملات اقتصادی ریسک‌دار، به منظور حصول سود از طریق پیش‌بینی تغییرات قیمت کالا، اوراق بهادار یا ارز، از نوسانات کوتاه یا میان‌مدت، در ارزش بازاری کالای تجاری گفته می‌شود.^{۱۱۰} آنان، ریسک از دست دادن همه یا بخش زیادی از سرمایه خود را برای به دست آوردن احتمالی سودی قابل توجه، قبول می‌کنند.^{۱۱۱}

بورس‌بازان یا سفته‌بازان، هیچ‌گونه هدف تولیدی ندارند. تنها غرض آنان از شرکت در بازار آتی، کسب سود ناشی از پیش‌بینی صحیح و دقیق تغییرات قیمت‌ها در آینده است. آنان ریسک تغییرات قیمت را به امید کسب سود می‌پذیرند؛ مثلاً اگر افزایش قیمت را پیش‌بینی کنند، به خرید آتی مبادرت می‌کنند و اگر انتظار کاهش قیمت را داشته باشند، آتی خود را به فروش می‌رسانند. واضح است که اگر پیش‌بینی آن‌ها درست نباشد، ضرر خواهند کرد.^{۱۱۲}

بورس‌بازان ممکن است با انجام معاملات صوری، پخش شایعات و تبانی با یکدیگر و احتکار، بر قیمت بازار تأثیر گذاشته، آن را به نفع خود تغییر دهند؛ از این‌رو همواره مقرراتی جهت کنترل بورس‌بازان و جلوگیری از فعالیت آن‌ها برای تغییر مصنوعی قیمت‌ها، در کشورهای گوناگون

^{۱۰۸}. حسن عمید، فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۲۰۹.

^{۱۰۹} <https://hawzah.net>.

^{۱۱۰} <https://fa.wikipedia.org>.

^{۱۱۱} <https://www.tabnak.ir>.

^{۱۱۲}. غلام علی معصومی نیا، ابزارهای مشتقه، ص ۱۹۴.

وضع شده است.^{۱۱۳} بی تردید در اسلام هرگونه فعالیتی که به تغییر مصنوعی قیمت کالا یا هر نوع دارایی بینجامد، ممنوع شده است. در شریعت اسلام، قوانینی وجود دارد که از انجام معاملات صوری، احتکار و ائتلاف و انتشار اخبار کذب و مانند آن جلوگیری می‌کند.^{۱۱۴}

در اسلام معاملات اقتصادی می‌باید شفافیت حداکثری داشته باشد و اطلاعات به‌صورت برابر در اختیار فعالان اقتصادی قرار گیرد. کتمان اطلاعات صحیح و پخش اطلاعات نادرست مجاز نیست. اسلام مزد و درآمد و ثروت را بر اساس کار مولد و بهره‌وری می‌داند و واسطه‌گری‌های فاقد تحقق ارزش افزوده مانند تلقی رکبان و بیع الحاضر للبادی را به رسمیت نمی‌شناسد. چنانکه رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «لَا يَتَلَقَّى أَحَدُكُمْ تِجَارَةً خَارِجاً مِنَ الْمِصْرِ» هیچ‌یک از شما نباید خارج از شهر برای خرید کالاهای تجاری به استقبال کاروان تجاری بروید و نیز فرمود: «لَا يَبِيعُ حَاضِرٌ لِّبَادٍ» غلات و کالاهای اهل بادیه و روستائیان را نباید بازاریان اقدام به خرید و فروش نمایند بلکه خود آنان با مردم معامله کنند.^{۱۱۵} به بیان دیگر، خروج تاجران از شهر برای این‌که کالاهای کاروان‌های تجاری را پیش از آنکه به شهر برسند و از قیمت شهر آگاه شوند خریداری نموده و در شهر بفروشند و یا محصولات روستائیان را با سوءاستفاده از جهل آنان به قیمت شهر خریداری نمایند مورد تأیید نیست.

پاسخ به دو اشکال فوق نیازمند مقاله دیگری است. ولی به‌صورت اجمال می‌توان گفت در اقتصاد اسلامی نگهداری پول صرفاً به انگیزه سفته‌بازی و بورس‌بازی و به این دلیل که از جریان گردش خارج شده حرام نیست. بلی، اگر به قصد جمع‌آوری ثروت باشد و حقوق الهی متعلق به آن

^{۱۱۳} <https://www.tabnak.ir>

^{۱۱۴} <https://hawzah.net>. این قوانین در کتاب‌های گوناگون فقهی از جمله مکاسب المحرمه و

جواهرالکلام آمده است)

^{۱۱۵} حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص: ۴۴۴؛ و محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص: ۴۷۱،

را نپردازد، همان کنزی شمرده می‌شود که در آیات تحریم شده است^{۱۱۶}؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که تقاضای پول در اقتصاد اسلامی به انگیزه بورس‌بازی در چارچوب قوانین شرع تا وقتی که مخالف مصالح عمومی نباشد، جایز است. همچنین کنز پول، به مفهوم اقتصادی آن، یعنی خارج کردن پول از جریان گردش تا هنگامی که به تجمع ثروت بیش از حد مجاز نینجامد، محذور شرعی ندارد.^{۱۱۷}

سفته‌بازی و بورس‌بازی‌های که در شریعت ممنوع شده است آن‌های هستند که غررآمیز، قمار آلود، تدلیس‌آمیز و ضرری باشد، اسلام این‌گونه معاملات را غیرطبیعی و نامطلوب دانسته جایز نمی‌شمارند.

روشن شد که نگهداری پول به انگیزه انجام معامله‌های سودآور (سفته‌بازی و بورس‌بازی) چنانچه مطابق قوانین شریعت اسلامی باشد جایز است و محذور شرعی ندارد.

نتیجه‌گیری

پول یک پدیده اجتماعی است که به‌منظور آسان کردن روابط اقتصادی بین مردم، به وجود آمد. دین اسلام که هدایت اجتماعی انسان را عهده‌دار است، این پدیده اجتماعی را مشمول مقررات خود قرار داده و احکامی از سوی شریعت درباره دادوستد با آن صادر شده است. پول در طول موجودیت خود حالات گوناگونی را پشت سر گذاشته تا سرانجام در اقتصاد امروز هم ماهیت و هم کارکرد جدیدی را به دست آورده است. یکی از مسائل مهم مسئله «کنز پول» است که نیازمند بحث و بررسی دقیق فقهی است. این مقاله مسئله کنز پول را از دیدگاه فقه بررسی کرده است. در مفهوم لغوی کنز دو ویژگی معتبر است؛ یکی جمع‌آوری و افزودن بر مال و دیگری نگهداری و راکد

^{۱۱۶}. سید حسین میرمعزی، اقتصاد کلان، ص ۲۵۳.

^{۱۱۷}. همان، ص ۲۶۱.

گذاشتن آن است. در فرهنگ‌نامه‌های اقتصادی نیز «کنز» به پس‌انداز راكد اطلاق شده است. از آنجاکه پول در دادوستدها مورد معامله قرار می‌گیرد دانسته شد که مال در مفهوم لغوی به کلیه چیزها از متاع دنیا اطلاق می‌گردد که به ملکیت افراد درمی‌آید و دادوستد می‌شود که ملکیت پول از این قبیل است و از نگاه فقهی دارای قیودی است؛ گروهی از فقیهان وجود منفعت را برای «مال» ملاک قرار داده‌اند؛ مانند یک حبه گندم که ملک محسوب می‌شود لکن به خاطر نداشتن منفعت مالیت ندارد تا در برابرش مال پرداخت گردد. شماری دیگری از فقیهان، وجود منفعت و غرض عقلانی را ملاک دانسته‌اند که اگر چیزی دارای منفعت و غرض عقلانی باشد که شرع آن را حلال بشمرد ولو خیلی کم و نادر باشد، دادوستد آن درست و مال شمرده می‌شود و مبادله مال به مال هم صدق می‌کند. مالیت «پول» از این قبیل است؛ از آنجاکه مال از مفاهیم عرفی است، عرف عام و فقیهان پول را مال می‌دانند و احکام اموال را بر آن بار کرده‌اند، پس پول مالی اعتباری است که قانون و عرف عام عقلا به آن اعتبار داده است تا علامت و نشانه‌ای باشد بر ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید خاص و معین، اعم از اینکه ماده پول نیز دارای مالیت باشد مثل درهم و دینار یا نه مثل پول‌های کاغذی و تحریری.

در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره‌ی توبه به کنز طلا و نقره و خودداری از انفاق در راه خدا به شدت مورد مذمت قرار گرفته است. برای جلوگیری از کنز پول پرداخت زکات، واجب و از ضروریات دین شمرده شده است. اندیشمندان مسلمان دو دیدگاه پیرامون زکات پول اعتباری دارند: نظر مشهور فقهی شیعه و برخی از اندیشمندان اهل سنت پول‌های اعتباری را مورد تعلق زکات نمی‌دانند؛ زیرا بر اساس روایات پول طلا و نقره مشمول زکات است نه طلا و نقره‌ای که پول نیست و نه پولی که طلا و نقره نیست؛ اما عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که پول‌های اعتباری امروزی نیز مورد تعلق زکات است که اگر زکات آن پرداخت نشود مصداق کنز حرام است؛ زیرا نقدین در روایات به عنوان وسیله اخذ می‌شود نه هدف و نقدین تنها پول رایج در آن زمان بوده است و این قید رایج بودن در پول‌های

امروزی صادق است به علاوه اینکه با استفاده از عمومات مانند «**خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً**» پول‌های امروزی را در برمی‌گیرد و همچنین وضع زکات امام علی (ع) بر اسب‌ها و پاسخ امام صادق (ع) بر این‌که برنج نیز زکات دارد دلیل دیگر است که بر پول‌های اعتباری امروزی زکات واجب است.

مفسرین قرآن کریم در تشخیص مصداق کنز حرام و محدوده‌ی آن دچار اختلاف نظر شده‌اند. گروهی خودداری از پرداخت زکات را ملاک دانسته‌اند و جمعی، خودداری از پرداخت حقوق واجب از هر مال مازاد بر نیاز را از مصداق کنز دانسته‌اند؛ و عده‌ای دیگر خودداری از انفاق در راه خدا و گردآوری ثروتی بیش از حد کفاف را معیار دانسته‌اند. ما معیار اخیر را اختیار نمودیم زیرا در این معیار کنز به معنی ذخیره‌سازی و راکد گذاشتن پول و ثروتی بیش از حد کفایت و عدم انفاق مال در راه خدا است، اعم زکات واجب و غیر واجب که در صورت کنز همه مصالح دین که حفظ آن واجب است و جامعه اسلامی بدان نیاز و ضرورت داشته باشد در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد و چرخ‌های اقتصادی از حرکت بازایستاده و در حالت رکود به سر می‌برد که بدون شک مصداق کنز حرام است. منشأ این اختلاف نظر نیز روایات متفاوتی است که در این باره وجود دارد که امامان معصوم (ع) حد مجاز نگهداری پول را ۱- صرفاً به اندازه هزینه زندگی ۲- دو هزار درهم ۳- چهار هزار درهم، دانسته‌اند و علت اختلاف روایات نیز دال بر آن است که موضوع کنز، در زمان‌ها و اوضاع و احوال مختلف مطرح گشته است و برای تعیین مقدار آن، واقع زندگی و سطح معیشتی را که پیوسته تابع واقعیت است، مورد ملاحظه قرار داده‌اند. پس آنچه در احادیث آمده است عنوان چارچوب دهی و مرز گذاری دارد نه تعیین قطعی.

کنز پول به انگیزه انجام معامله‌های سودآور مانند سفته‌بازی و بورس‌بازی، در صورتی که خلاف مقررات اسلامی و با انجام معاملات صوری، پخش شایعات و تبانی با یکدیگر و همراه با احتکار باشد که بر قیمت بازار تأثیر گذاشته و آن را به نفع خود تغییر داده باشد که غرورآمیز، قمار آلود،

تدلیس آمیز و ضرری باشد ممنوع است و الا اگر این گونه نباشد و مطابق موازین شریعت با پرداخت حقوق الهی متعلق به آن، اقدام به چنین معاملاتی نماید که از شفافیت حداکثری و اطلاعات به صورت برابر برخوردار باشند، می توان گفت که در اقتصاد اسلامی نگهداری پول به انگیزه سفته بازی و بورس بازی مجاز خواهد بود.

پیشنهادهای:

برای جلوگیری از کنز پول باید مواردی را مدنظر قرارداد:

- ۱- ایجاد اطمینان از سرمایه گذاری: دولت و مسئولین ذی ربط باید برای مردم تأمین امنیت کنند تا مردم با اطمینان خاطر سرمایه گذاری نموده و ذخایرشان را از حالت رکود خارج نموده وارد چرخه اقتصاد نمایند. وجود نا اطمینانی از آینده است که مردم اقدام به کنز و نگهداری پول نقد می کنند، هرچه ابعاد آن بیشتر باشد کنز بیشتری اتفاق خواهد افتاد.
- ۲- به وجود آوردن بازارهای کارا: اگر بازارهای کارا وجود داشته باشد تمایل به کنز کاهش خواهد یافت و الا مردم حاضر نخواهد بود پولشان را در بازار غیرکارا وارد کنند.
- ۳- وضع مالیات های سنگین برای کنز پول: چیز دیگری که باعث کنز پول می شود نبودن قانون و مقررات برای کنز است، اگر مالیات های سنگین برای کنز وضع شود کنز به شدت کاهش می یابد.
- ۴- ایجاد مشوق ها: برای خارج کردن پول های راکد باید مشوق های در نظر گرفت مانند جایزه و یا امتیازهای تجاری که به خاطر این مشوق ها مردم پول های راکد خود را وارد چرخه اقتصادی نمایند.
- ۵- آسان گیری در مقررات تجاری: در مقررات تجارت آسان گیری نماید به گونه ای که دارنده ای کمترین سرمایه نیز قادر به دریافت مجوز تجارت داخلی یا خارجی باشد.

۶- تقلیل در مالیات گمرکی: دولت برای تشویق مردم به سرمایه‌گذاری و تجارت و به گردش درآوردن پول در اقتصاد، باید مالیات گمرکی را تقلیل دهد، زیرا بسیاری از مردم که توان تجارت را دارند به خاطر مالیات گمرکی بالا از تجارت صرف‌نظر می‌کنند که در نتیجه کنز اتفاق می‌افتد.

۷- به وجود آوردن پروژه‌های اقتصادی فعال با اطمینان بالا، یکی دیگر از مشوق‌های است که پول‌های راكد را از حالت ركود خارج نموده و به چرخه اقتصاد وارد می‌کند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، مبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم - ایران، اول، ه.ق.

۲. ابن الهمام، كمال‌الدین محمد بن عبدالواحد السیواسی، شرح فتح القدير، موقع الاسلام،

۳. ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مكرم، لسان العرب، دارالفكر للطباعة و

النشر و التوزيع - دار صادر، بیروت - لبنان، سوم، ۱۴۱۴ ه.ق

۴. ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن أبي داود، دار الحديث - مصر - قاهره، چاپ: ۱، ۱۴۲۰ ه.ق.

۵. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۳ ه.ق

۶. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان

- سوریه، اول، ۱۴۱۲ ه.ق

۷. آصفی، محمد مهدی، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، هق
۸. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، قواعد فقهیه، مؤسسه عروج، تهران - ایران، سوم، ۱۴۰۱ هق
۹. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحقائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۵ هق
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاري، جمهورية مصر العربية، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، لجنة إحياء كتب السنة - مصر - قاهره، چاپ: ۲، ۱۴۱۰ ه.ق.
۱۱. تبریزی، جعفری، محمد تقی، رسائل فقهی، مؤسسه منشورات کرامت، تهران - ایران، اول، ۱۴۱۹ هق
۱۲. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، هق
۱۳. حسن عمید، فرهنگ عمید، ناشر: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۹، ۱۳۷۹ تهران.
۱۴. حسینی، سیدرضا، تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد، مجله: معرفت اقتصادی، سال اول بهار ۱۳۸۹.
۱۵. حکیم، سید محسن طباطبایی، منهاج الصالحین، دار التعارف للمطبوعات، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ هق

۱۶. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاء / ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ هـ ق
۱۸. خمینی، سید روح الله موسوی، المکاسب المحرمة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ هـ ق
۱۹. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسيلة، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم - ایران، اول، هـ ق
۲۰. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، منهاج الصالحین، نشر مدينة العلم، قم - ایران، ۲۸، ۱۴۱۰ هـ ق
۲۱. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، موسوعة الإمام الخوئي، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي ره، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ هـ ق
۲۲. دادگر، يدالله ورحمانی، تیمور، مبانی و اصول علم اقتصاد، ناشر: بوستان کتاب، چاپ نهم، ۱۳۸۹، قم.
۲۳. سیدرضا حسینی، تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد، ناشر: مجله معرفت اقتصادی، سال اول شمال اول، بهار ۱۳۸۹.
۲۴. طباطبائی، محمدحسین، المیزان في تفسير القرآن، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: ۲، ۱۳۹۰ هـ ق.
۲۵. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار في غرر الأخبار، المكتبة الحيدرية - نجف، چاپ: دوم، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م / ۱۳۴۴ ش.

۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ: ۳، ۱۳۷۲ ه.ش.

۲۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، کتاب فروشی مرتضوی، تهران - ایران، سوم، ۱۴۱۶ هق

۲۸. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، الأمالی، دار الثقافة، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ هق

۲۹. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.

۳۰. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هق

۳۱. عبداللہی، محمود، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.

۳۲. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر، الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت

۳۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، مکتبة الصدر - ایران - تهران، چاپ: ۲، ۱۴۱۵ ه.ق.

۳۴. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر، منشورات دار الرضی، قم - ایران، اول، هق

۳۵. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، ششم، ۱۴۱۲ هق

۳۶. القرضاوی، یوسف عبداللہ، فقه الزکاة، (بی تا) (مکتب الشامله)

۳۷. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق
۳۸. گلپایگانی، سید محمود، تحلیل فقهی احکام کنز، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۹.
۳۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۴۰. مجموعه من المؤلفين، الفتاوى الاقتصادية، فتوى رقم ۱، المصدر: موقع الإسلام
۴۱. محمدهادی معرفت، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ۵۶ جلد، ج ۱۰، ص: ۲۰-۲۱
۴۲. مرتضوی لنگرودی، سید محمدحسن، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، هـ ق
۴۳. مشکین، فرید ریک، ترجمه: دکتر علی جهانخانی و دکتر علی پارسائیان، پول، ارز و بانکداری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۲، تهران.
۴۴. مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، مرکز الكتاب للترجمة و النشر، تهران - ایران، اول، ۱۴۰۲ هـ ق
۴۵. مطهری، شهید مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم - ایران، اول، هـ ق
۴۶. معصومی نیا، غلام علی، ابزارهای مشتقه، ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ دوم ۱۳۸۹.

۴۷. مغنیه، محمدجواد، فقه الإمام الصادق علیه السلام، مؤسسه انصاریان، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۱ هـ ق

۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، الربا و البنك الإسلامی، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب

علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ هـ ق

۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰،

۱۳۷۱ هـ ش.

۵۰. میرمعزی، سید حسین، اقتصاد کلان، ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و

اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.

۵۱. نجف آبادی، حسین علی منتظری، کتاب الزکاة، مرکز جهانی مطالعات اسلامی، قم -

ایران، دوم، ۱۴۰۹ هـ ق

۵۲. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان،

هفتم، ۱۴۰۴ هـ ق

۵۳. واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من

جواهر القاموس، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۴ هـ

۵۴. وهبة الزحيلي، المعاملات المالية المعاصرة، ناشر: دارالفکر، دمشق - سوریه، ۲۰۰۲.

۵۵. وَهْبَةُ الزُّحَيْلِيِّ، الْفِقْهُ الْإِسْلَامِيُّ وَأَدْلَتُهُ، الناشر: دار الفكر - سوریه - دمشق، الطبعة:

الرَّابِعَة،

۵۶. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، مصباح الفقيه، مؤسسة الجعفرية لإحياء التراث و

مؤسسة النشر الإسلامی، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ هـ ق

۵۷. یوسفی، احمدعلی، پول جدید از نگاه اندیشمندان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، هق

58. <http://www.al-islam.com>

59. <http://fatawa.al-islam.com>

60. <https://hawzah.net>

61. <https://fa.wikipedia.org>

62. <https://www.tabnak.ir>